

# کتاب سموئیل

درس  
سوم

داوود پادشاه



THIRD MILLENNIUM  
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2022 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

### ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel<sup>®</sup>. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

---

سرشناسه: کتاب سموئیل (درس شماره ۳: داوود پادشاه)

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

## فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) برکات اولیه

ساختار و محتوا

در حبرون (دوم سموئیل ۲: ۱-۵: ۵)

در اورشلیم (دوم سموئیل ۵: ۶-۹: ۱۳)

کاربرد مسیحی

عهدهای خدا

پادشاهی خدا

(۳) لعنت‌های پسین

ساختار و محتوا

مشکلات اولیه (دوم سموئیل ۱۰: ۱-۱۲: ۳۱)

مشکلات گسترده‌تر (دوم سموئیل ۱۳: ۱-۲۰: ۲۶)

کاربرد مسیحی

عهدهای خدا

پادشاهی خدا

(۴) مزایای مستمر

ساختار و محتوا

سرود دودمانی (دوم سموئیل ۲۲: ۱-۵۱)

آخرین نصایح دودمانی (دوم سموئیل ۲۳: ۱-۷)

جنگاوران پیروزمند (دوم سموئیل ۲۱: ۱۵-۲۲)

جنگاوران پیروزمند (دوم سموئیل ۲۳: ۸-۳۸)

رهایی از لعنت خدا (دوم سموئیل ۲۱: ۱-۱۴)

رهایی از لعنت خدا (دوم سموئیل ۲۴: ۱-۲۵)

(۵) نتیجه‌گیری

(۶) واژه‌نامه

## داوود پادشاه

### مقدمه

یک بار، یک مرد دنیا دیده، راهبران کلیسا را اینطور توصیف کرد: «آنها بی‌نقص نیستند، اما نگران هم نیستیم. مسیح هنوز پادشاه است.» همه ما متوجه هستیم که منظور آن مرد حکیم چه بود. هر چقدر هم که آرزو کنیم راهبرانی بی‌نقص داشته باشیم، اما آنها هرگز اینطور نیستند. اما فارغ از قصورهای آنها، ما می‌توانیم همه امیدمان به آینده را بر مسیح قرار بدهیم، چون او پادشاه بی‌نقص ما است.

از بسیاری جهات، نویسنده کتاب سموئیل دیدگاه مشابهی به مخاطبین اولیه که اسرائیلیان باستان بودند ارائه داد. او و مخاطبین اولیه‌اش می‌دانستند که خدا وعده یک پسر عادل داوود را داده بود که در آینده، پادشاهی خدا را تا به اقصای زمین گسترش می‌داد. اما قصورهای خاندان داوود، بسیاری را به شک انداخته بود که این وعده محقق شود. بنابراین، نویسنده کتاب سموئیل از لطف خدا نسبت به داوود و خاندان او نوشت تا به افراد وفادار در بین اسرائیل اطمینان بدهد که وعده خدا در مورد این پسر بزرگ داوود، قطعی بود.

حکمرانی داوود در کتاب سموئیل ما را به عنوان مسیحیان فرا می‌خواند تا از راه‌های مشابه، امیدمان به مسیح را مجدداً تأیید کنیم. ما هنوز در خدمت وفادارانه به خدا کوتاهی می‌کنیم. اما لازم نیست که نگران باشیم. لطف خدا به داوود و خاندان او در مسیح محقق خواهد شد، چون او پادشاه عادل بی‌نقص ما است.

این سومین درس از مجموعه دروس «کتاب سموئیل» است و ما آن را «داوود پادشاه» نامیده‌ایم. در این درس ما بر آخرین بخش عمده کتاب سموئیل تمرکز خواهیم کرد، یعنی باب‌هایی که لطف خدا به داوود و خاندان او را به نمایش می‌گذارند. همانطور که خواهیم دید، این بخش از کتاب‌مان تصویری صادقانه اما امیدبخش از داوود به اسرائیلیان باستان ارائه کرد که امروز، ما را در خدمت به پسر بزرگ داوود، یعنی عیسی، تشویق می‌کند.

در طول این مجموعه دروس، دیدیم که نویسنده سموئیل کتاب خود را در زمانی نوشت که قوم اسرائیل با آزمایشاتی — چه در دوره پادشاهی تقسیم‌شده یا طی زمان تبعید بابلی، مواجه بود. او در پی آن بود که از بسیاری جهات مختلف بر زندگی آنها تأثیر بگذارد، اما به طور کلی، مفید است که هدف اصلی و اولیه او را اینطور خلاصه کنیم:

نویسنده سموئیل توضیح داد که چطور گذار اسرائیل به پادشاهی در عهد خدا با داوود به اوج خود رسید، تا اسرائیل امید خود به پادشاهی خدا را در حکمرانی عادلانه خاندان داوود قرار بدهد.

همانطور که این خلاصه نشان می‌دهد، نویسنده کتاب سموئیل در مورد برخی از وقایع تاریخی نوشت که پیش از زمانه او رخ داده بودند تا نشان بدهد که چگونه گذار اسرائیل به پادشاهی در عهد خدا با داوود به اوج خود رسید. او همچنین گزارش تاریخی خود را به گونه‌ای طرح‌ریزی کرد تا مخاطبین اسرائیلی اولیه را فرا بخواند که امیدهای شان برای آینده پادشاهی خدا را بر حکمرانی عادلانه خاندان داوود قرار بدهند.

در درس‌های پیشین، دیدیم که کتاب سموئیل در سه بخش عمده به این موضوعات می‌پردازد: مقدمه سموئیل بر پادشاهی در اول سموئیل ۱-۷؛ پادشاهی شکست‌خورده شائول در اول سموئیل باب ۸ تا دوم سموئیل باب ۱؛ و پادشاهی پایدار داوود در دوم سموئیل ۲-۲۴. در این درس، توجه‌مان را بر این سومین بخش از کتاب سموئیل متمرکز خواهیم ساخت.

گزارش پادشاهی پایدار داوود به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود: سال‌های اولیه برکات داوود از جانب خدا در دوم سموئیل ۲-۹؛ سال‌های پسین لعنت‌های او از طرف خدا در دوم سموئیل ۱۰-۲۰؛ و مزایای مستمری که از طریق خاندان داوود علیرغم قصورهای آن ارائه شد، در دوم سموئیل ۲۱-۲۴.

درس ما در مورد داوود پادشاه، این سه بخش اصلی از پادشاهی پایدار داوود را ابتدا با نگاهی به برکات اولیه که داوود در دوم سموئیل ۲-۹ از خدا دریافت کرد، مورد بررسی قرار خواهد داد.

## برکات اولیه

در طول این مجموعه دروس، دیدیم که دیدگاه نویسنده ما در مورد پادشاهی داوود برای هدف کتاب او بسیار مهم بود. از دیدگاه او، گذار اسرائیل از حکمرانی داوران به حکومت پادشاهی، نهایتاً در زمانی تکمیل شد که داوود به پادشاهی رسید. در زمان زمامداری داوود بود که اسرائیل به یک پادشاهی کامل تبدیل شد و تحت حکمرانی سلسله دائمی داوود اتحاد پیدا کرد. نویسنده ما برای تأکید بر این ویژگی اوج حکومت داوود، گزارشی ارائه کرد که چرا و چطور خدا در سال‌های اولیه حکومت داوود برکاتی بی‌سابقه به او داد.

ما از دو راه به باب‌هایی نگاه می‌کنیم که برکات سال‌های اولیه داوود را پوشش می‌دهند. ابتدا به بررسی معنای اصلی آنها در پرتو ساختار و محتوای شان می‌پردازیم. سپس به سراغ کاربرد مسیحی آنها می‌رویم - یعنی اینکه چطور این بخش از کتاب سموئیل باید بر زندگی ما به عنوان پیروان مسیح تأثیر بگذارد. بیایید با ساختار و محتوای برکات اولیه داوود از خدا شروع کنیم.

## ساختار و محتوا

این باب‌ها به رویدادهای متعددی می‌پردازند، اما درست مانند هر بخش دیگری از کتاب‌مان، این رویدادها مکرراً توجهات را به دو مضمون عمده جلب می‌کنند. در وهله اول، نویسنده ما نشان داد که چطور پادشاهی خدا در اسرائیل تحت حکومت داوود پیشرفت کرد. داوود تمام اسباط اسرائیل را متحد ساخت، اورشلیم را پایتخت جدید خود قرار داد، استحکامات اورشلیم را تقویت کرد، و قصر خود را در آنجا کرد. اما از همه مهم‌تر، خدا در این باب‌ها وعده داد که خاندان داوود را سلسله پادشاهی پایدار اسرائیل بسازد.

در وهله دوم، نویسنده کتاب سموئیل همچنین موفقیت‌های داوود در این باب‌ها را بر اساس پویایی عهدهای خدا توضیح داد. نویسنده ما اشاره کرد که هر آنچه داوود انجام داد، نتیجه سخاوتمندی الهی بود. اما او همچنین بارها و بارها تاکید کرد که داوود به طور پیوسته الزامات خدا در مورد وفاداری بشری را به جای آورد. در طول این باب‌ها، داوود به ویژه نسبت به قوانین موسی در مورد پرستش و اعمال اقتدار پادشاهی وفادار بود. و داوود به خاطر وفاداری خود در نتیجه، برکات عظیمی از خدا دریافت کرد. به طور کلی، درس نویسنده ما برای مخاطب اصلی خود به اندازه کافی روشن بود: هر امیدی برای برکات خدا به وفاداری داوود، وفاداری پسرانش در طول نسل‌ها، و در نهایت بر پسر کاملاً عادل داوود که می‌آمد بستگی داشت.

برکات داوود که در کتاب سموئیل می‌بینیم، نمونه خوبی برای پادشاهان بعدی در سلسله او هستند. این را از آن جهت می‌گوییم که داوود از طریق اطاعت از خدا، در واقع آن چیزی را نشان داد که ما «اصل تثنیه‌ای» می‌نامیم که یعنی: اطاعت باعث برکت و نافرمانی باعث لعنت می‌شود. و قبل از آنکه داوود پادشاه بشود، و در این برهه زمانی به عنوان پادشاه اسرائیل، او همچنان از خدا اطاعت می‌کرد... حال داوود از طریق این اطاعت، و از آنجایی که متوجه بود که این خداست که او را به پادشاهی رسانده، خیلی خیلی مراقب بود که دستورات خدا و همچنین دستوراتی که از طریق انبیای خدا دریافت می‌کرد را دنبال کند. وقتی که خواست با فلسطینی‌ها بجنگد، اینطور نبود که بلند بشود و برود. او مطمئن شد که با خدا مشورت کرده تا خدا به او بگوید که آیا رفتنش مناسب است و چه کاری باید انجام بدهد و غیره. و زمانی که این پاسخ را دریافت می‌کند که «بله، برو»، آنگاه می‌رود. زمانی که پاسخ «ترو» است، او می‌ماند. و من فکر می‌کنم که شیوه پادشاهی او، که عمدتاً بر اطاعت از خدا متمرکز است، برای پادشاهان بعدی خیلی خیلی مهم است تا از آن پیروی کنند.

– کشیش دکتر همفری آکوگیرم

گزارش برکات اولیه داوود با نقل مکان او از خانه‌اش در صقلغ فلسطین برای زندگی در قلمرو یهودا شروع می‌شود، و شامل دو بخش است: نخست، تجربیات داوود در حبرون در ۲: ۱-۵؛ و دوم، تجربیات او در اورشلیم در ۵: ۶-۹: ۱۳.

### در حبرون (دوم سموئیل ۲: ۱-۵: ۵)

نویسنده ما نحوه برکت خدا به داوود در حبرون را در دو بخش ثبت کرد. او با پشتیبانی فزاینده از پادشاهی داوود در ۲: ۱-۴: ۱۲ شروع می‌کند.

**پشتیبانی فزاینده (دوم سموئیل ۲: ۱-۴: ۱۲).** روایت پشتیبانی فزاینده از داوود به سه قسمت تقسیم می‌شود. در هر قسمت، وفاداری داوود به خدا منجر به برکت پشتیبانی فزاینده از پادشاهی داوود شد. اولین قسمت در ۲: ۱-۴ بر یهودا تمرکز می‌کند. در اینجا، داوود پس از مرگ شائول با درخواست راهنمایی از خداوند، وفاداری خود به خدا را نشان داد و سپس همانطور که خدا فرمان داده بود، بلافاصله امنیت صقلغ را ترک می‌کند و به یهودا می‌رود. و خدا او را برکت داد و مردان یهودا او را به عنوان پادشاه بر خاندان یهودا در حبرون مسح کردند.

در قسمت بعدی در ۲: ۵-۷، داوود همچنین از مردم یابیش جلعاد نیز حمایت دریافت کرد. داوود دلیل خوبی داشت که با مردم یابیش جلعاد به عنوان دشمنان احتمالی خودش برخورد کند. آنها به قدری سرسپرده شائول بودند که جان خود را به خطر انداختند تا شائول و پسرانش را دفن کنند. اما داوود به آنها حمله نکرد و حتی دست به تهدید آنها هم نزد. بلکه در مقابل، الزام عهد خدا در تثیبه ۱۷: ۲۰ را محقق ساخت که خدا دستور داد پادشاهان نباید خودشان را بهتر از هموطنان‌شان ببینند. داوود متعهد شد که با مردم یابیش جلعاد رفتار خوبی داشته باشد. او در آیه ۷ به آنها دلگرمی بخشید و گفت: «حال دست‌های شما قوی باشد و شما شجاع باشید زیرا آقای شما شائول مرده است و خاندان یهودا نیز مرا بر خود به پادشاهی مسح نمودند.» و در نتیجه، خدا داوود را با پشتیبانی بیشتر، حتی از سوی گروه مردانی که به شائول وفادار بودند، برکت داد.

نویسنده ما بعد از گزارش در مورد مردان یهودا و مردان یابیش جلعاد، به قسمت سوم پرداخت که پشتیبانی فزاینده از پادشاهی داوود را برجسته می‌ساخت. این قسمت بسیار طولانی‌تر در ۲: ۸-۴: ۱۲ با طغیانی شروع می‌شود که از سوی ابنیر، سردار شائول، و ایشبوشت، پسر شائول، فرماندهی می‌شد. نام ایشبوشت در اصل ایشبال بود - یعنی «مرد خداوند» - اما نویسنده ما او را ایشبوشت - به معنای «مرد شرم» - نامید تا شخصیت حقیقی او را آشکار کند. ابنیر ایشبوشت را بر تمام اسرائیل پادشاه ساخت و یک کشمکش طولانی با داوود را آغاز کرد. اما ۳: ۱ به ما می‌گوید که: «داوود روز به روز قوت می‌گرفت و خاندان شائول روز به روز ضعیف می‌شدند.»

نویسنده ما ابتدا برکت قوت فزاینده داوود را با اشاره به اینکه چندین پسر از داوود در حبرون به دنیا آمد، نشان داد. سپس نویسنده مان برای توضیح اینکه چطور خاندان شائول ضعیف تر شد، گزارش داد که ابنر و ایشبوش روبروی یکدیگر قرار گرفتند. همانطور که بسیاری از متون عهد عتیق اشاره می کنند، خدا غالبا با به جان هم انداختن دشمنان قوم خود، به کمک آنها می آمد. ایشبوش با تهمت به ابنیر مبنی بر اینکه یکی از کنیزان شائول را برای خود گرفته، درگیری با او را آغاز کرد. ابنیر با فرار نزد داوود و تشویق مشایخ اسرائیل به پشتیبانی از پادشاهی او واکنش نشان داد. در ۳: ۱۸، زمانی که ابنیر به مشایخ اسرائیل یادآوری می کند که خدا اعلام کرده بود: «به وسیله بنده خود داوود... اسرائیل را... از دست جمیع دشمنان ایشان نجات خواهیم داد»، شاهد برکت عظیم خدا به داوود هستیم.

نویسنده ما برای تاکید بیشتر بر اینکه چطور خاندان داوود قوی تر و خاندان شائول ضعیف تر شدند، نحوه مرگ ابنیر و ایشبوش را با دقت شرح داد. در هر دو مورد، او به این نکته اشاره کرد که داوود از همه کارهای نادرست مبرا بود. ابتدا او گزارش داد که یوآب، سردار داوود، ابنیر را به قتل رساند. و نویسنده ما برای اینکه درستی داوود را نشان بدهد، بلافاصله در ۳: ۲۶ اضافه کرد که: «داوود ندانست.» به علاوه، داوود بعد از با خبر شدن از ماجرا، در آیه ۲۸ اعلام کرد که: «من و سلطنت من به حضور خداوند از خون ابنیر... تا به ابد بری هستیم.» در حقیقت، در آیه ۳۱، داوود حتی به کل اسرائیل فرمان داد که برای ابنیر سوگواری کنند. و در نتیجه، در آیه ۳۷، «جمیع قوم و تمامی اسرائیل در آن روز دانستند که کشتن ابنیر... از پادشاه نبود.»

دوم، داوود در مورد مرگ ایشبوش نیز بی گناه بود. نویسنده ما توضیح داد که دو مرد ایشبوش را در بستر خواب او به قتل رساندند و با افتخار، از آنچه انجام داده بودند به داوود گزارش دادند. اما داوود بی گناهی خود را با اعلام اینکه ایشبوش مردی عادل بود و نیز اعدام قاتلان او، نشان داد. یک بار دیگر، تاکید نویسنده ما واضح است. خدا داوود را با پشتیبانی فزاینده ای حتی در میان حامیان و خاندان شائول برکت داد، چون داوود در این زمان خدمتگزار وفادار خدا بود.

**پشتیبانی کامل (دوم سموئیل ۵: ۱-۵).** سپس به بخش دوم برکات داوود در حبرون، یعنی پشتیبانی کامل تمامی اسرائیل از او در ۵: ۱-۵ می رسیم. در این آیات، نمایندگان تمامی اسباط اسرائیل در حبرون گرد هم آمدند و داوود را به عنوان پادشاه خود مسح کردند. یک بار دیگر، داوود وفاداری خود را با تعهد متواضعانه به وفاداری به مردم نشان داد. در ۵: ۳، «داوود پادشاه... به حضور خداوند با ایشان عهد بست.» در نتیجه، خدا داوود را با پشتیبانی مشتاقانه تمام قبایل اسرائیل، برکت داد.



نویسنده ما بعد از گزارش خود درباره برکات اولیه داوود در حبرون، در ۵: ۶-۹: ۱۳ به برکات داوود در اسرائیل پرداخت. این گزارش نسبتاً طولانی شامل روایت‌ها، گزارش‌ها، یک خطابه، و یک دعا است که همگی نشان می‌دهند چطور داوود با وفاداری به خدا در اورشلیم، برکات بیشتر و بیشتری دریافت کرد.

### در اورشلیم (دوم سموئیل ۵: ۶-۹: ۱۳)

همه افراد آشنا با کتاب مقدس می‌دانند که اورشلیم، مرکز جغرافیایی تمام تاریخ کتاب مقدس است. از پیدایش تا مکاشفه، نقشه خدا این بود که پادشاهی او بر زمین از حومه اورشلیم آغاز شود و از آنجا تا انتهای زمین گسترش پیدا کند. نویسنده کتاب سموئیل اطمینان داشت که خاندان داوود این امید به پادشاهی خدا را بر محقق خواهد ساخت. بنابراین، جای تعجب نیست که نویسنده ما زمان کافی صرف کرد تا نشان بدهد که خدا چقدر داوود را در اورشلیم برکت داده است.

**دستاوردهای اولیه (دوم سموئیل ۵: ۶-۶: ۲۳).** روایت دوران داوود در اورشلیم به سه قسمت تقسیم می‌شود. این روایت در ۵: ۶-۶: ۲۳ با دستاوردهای اولیه داوود آغاز می‌شود. نویسنده کتاب سموئیل، در سه مرحله از دستاوردهای اولیه داوود گزارش داد. در مرحله اول، در ۵: ۶-۱۶، داوود با تسخیر بی‌باکانه قلعه یبوسیان، وفاداری خود به خدا را نشان داد. این یک نبرد بشری صرف نبود، بلکه خود خدا داوود را با پیروزی برکت داد. همانطور که نویسنده ما در ۵: ۱۰ شرح داد: «یهوه، خدای صباوت، با وی می‌بود.» عبارت «خداوند، خدای صباوت» یک لقب الهی بود که خدا را به عنوان رئیس لشکرهای آسمان معرفی می‌کرد. بنابراین، وقتی که نویسنده کتاب سموئیل گفت که خدا با داوود بود، منظورش این بود که وقتی داوود اورشلیم را فتح کرد، برکت حضور خدا و لشگر فرشتگانش را دریافت کرد که در کنار او و برای او جنگیدند.

نویسنده سموئیل با افزودن دو گزارش کوتاه از برکات بیشتر خدا، تایید کرد که پیروزی داوود در اورشلیم از برکات خدا بود. در گزارش اول، او به پروژه‌های عمرانی داوود در اورشلیم اشاره کرد. داوود استحکامات شهر را تقویت کرد و حیرام، پادشاه صور، چوب سرو و همچین نجاران و سنگ‌تراشان فرستاد که برای داوود کاخی بسازند. و در گزارش دوم، نویسنده ما در ۵: ۱۳ اشاره کرد که خدا داوود را با فرزندان بیشتر برکت داد. اما این برکات صرفاً به خاطر داوود نبودند. آنها به نفع تمام قوم بودند چون داوود پادشاه اسرائیل بود. بر اساس آیه ۱۲: «داوود فهمید که خداوند او را بر اسرائیل به پادشاهی استوار نموده، و سلطنت او را به خاطر قوم خویش اسرائیل برافراشته است.»

در مرحله دوم از دستاوردهای اولیه داوود، در ۵: ۱۷-۲۵، نویسنده سموئیل ادامه داده و موفقیت داوود در دفاع از اورشلیم را توضیح داد. فلسطینی‌ها دو بار اورشلیم را تهدید کردند اما داوود در هر دو جنگ، سرسپردگی خود به خدا را نشان داد. او در آیات ۱۹ و ۲۳، پیش از آنکه دست به عملی بزند «از خداوند سوال نمود» و بلافاصله از

آنچه خدا فرمان داد اطاعت کرد. در نتیجه، خدا داوود را با پیروزی‌هایی بزرگ برکت داد. بعد از اولین نبرد، اسرائیلیان بت‌های فلسطینی را تصاحب کردند - درست همانطور که فلسطینی‌ها تابوت عهد خدا را در زمان عیسی تصاحب کرده بودند. و بعد از جنگ دوم، داوود توانست که فلسطینیان را از اورشلیم به سمت مناطق دوردست شمال و شرق براند.

در مرحله سوم از دستاوردهای اولیه داوود، نویسنده کتاب سموئیل در ۶: ۱-۲۳ شرح داد که چطور داوود در ایمن‌سازی اورشلیم موفق شد. در اینجا شاهد داستان مشهور بازگرداندن تابوت عهد به شهر توسط داوود هستیم. از درس قبل به یاد دارید که تابوت عهد در قریه یعاریم - که بعلی یهودا نیز نامیده می‌شد - به مدت ۲۰ سال باقی ماند. اما داوود در این زمان با سازماندهی یک گروه بزرگ برای بازگرداندن تابوت به پایتخت خود، سرسپردگی‌اش به خدا را نشان داد.

ابتدای راهپیمایی داوود، بلافاصله به آگاهی او نسبت به اینکه اشاره می‌کند که پرستش وفادارانه خدا برای امنیت اورشلیم بسیار مهم است. راهپیمایی داوود نه تنها پرستشی با حضور کاهنان و لایوان بود، بلکه همانطور که در ۶: ۱ می‌خوانیم، داوود همچنین یک نیروی نظامی بزرگ و نخبه را جمع‌آوری کرد. علاوه بر این، نویسنده سموئیل در ۶: ۲ که گفت: «تابوت خدا... به اسم یهوه صباوت... مسمی می‌باشد»، به هدف نظامی داوود اشاره کرد. همانطور که اشاره کردیم، لقب الهی «خداوند صباوت»، خداوند را به عنوان فرمانده لشگریان آسمان معرفی می‌کرد. داوود می‌دانست که تنها راه حفظ اورشلیم در برابر دشمنان، این است که پایتخت خود را مرکز پرستش اسرائیل قرار بدهد. با پیشروی راهپیمایی، یک تاخیر غیرمنتظره رخ داد. عزه کاهن تابوت را لمس کرد، و خدا نیز او را زد و کشت. واکنش خدا ممکن است افراطی به نظر برسد، تا زمانی که متوجه بشویم لایوان قانون موسی در رابطه با تابوت مقدس عهد را نادیده گرفته بودند. بر اساس ۶: ۳، آنها بسیار شبیه به فلسطینی‌ها در زمانی که سال‌ها پیش تابوت را به اسرائیل برگرداندند، «تابوت خدا را بر ابراهای نو گذاشتند.» لایوان، تابوت عهد را با حلقه‌ها و چوب‌ها به نحوی که موسی در خروج ۲۵: ۱۲-۱۴ و اعداد ۷: ۹ توضیح داده بود حمل نکردند. و علاوه بر این، هنگامی که عزه در این راهپیمایی مقدس تابوت عهد خدا را لمس کرد، دقیقاً همان محکومیتی را دریافت کرد که خدا صریحاً در اعداد ۴: ۱۵ برای این تخلف اعلام کرده بود - یعنی مرگ.

اغلب اوقات، مفسرین مایلند که داوود را در این مصیبت مقصر بدانند، اما نویسنده سموئیل بر نکته دیگری متمرکز بود. به یاد دارید که در این بخش از کتاب سموئیل، نویسنده ما پیوسته تاکید کرد که چطور خدا طی این مدت در پاسخ به وفاداری داوود، اسرائیل را برکت داد. بنابراین، بعید است که او عدم وفاداری داوود را در این صحنه برجسته کرده باشد. بلکه او بار مسئولیت را بر دوش لایوان گذاشت. همانطور که اول سموئیل ۶: ۱۹ اشاره می‌کند، پیش‌تر در بیت شمس، لایوان مطابق شریعت موسی با تابوت عهد برخورد نکرده بودند. و این همه سال بعدتر، آنها

«دوباره» شریعت خدا را نادیده گرفتند. احتمالاً وقتی داوود این راهپیمایی عظیم متشکل از ۳۰ هزار نفر را راهبری می‌کرد، به آنچه لایوان انجام داده بودند توجه نکرد.

با این حال، در ۶: ۸، زمانی که داوری خدا علیه عزه جاری شد، «داوود غمگین شد» - احتمالاً از دست لایوان - «زیرا خداوند بر عزه رخنه کرده بود.» و بر اساس آیه ۹، «در آن روز داوود از خداوند ترسید.» او بدون تردید، با ارسال تابوت عهد به خانه عویید ادوم به مدت سه ماه، بر گناه لایوان اذعان کرد.

هنگامی که داوود دریافت خدا خانه عویید ادوم را برکت داده است، دوباره راهپیمایی را آغاز کرد. بر اساس ۶: ۱۳، این بار لایوان تابوت عهد خدا را «برداشتند». نویسنده ما در اینجا از اصلاح عبری ناسا (נָסָא) استفاده کرد؛ یعنی همان اصطلاحی که در شریعت موسی برای بلند کردن تابوت به وسیله حلقه‌ها و چوب‌ها، به طریقی که خدا فرمان داده بود استفاده شده است. و علاوه بر این، نویسنده ما در آیه ۱۳ اضافه کرد که: «چون بردارندگان تابوت خداوند شش قدم رفته بودند، گاو و پرواری‌ها ذبح نمود.» در آیات ۱۴ و ۱۵ می‌خوانیم که راهپیمایی با شادی، فریاد، آواز کرنا، و رقص ادامه پیدا کرد. و زمانی که تابوت عهد خدا نهایتاً به اورشلیم رسید، داوود قدردانی خود از خدا را با تقدیم هدایای سوختنی و هدایای سلامتی نشان داد. نویسنده ما یک بار دیگر برای تأکید بر امنیت نظامی‌ای که تابوت عهد فراهم می‌کرد، در آیه ۱۸ گزارش داد که: «[داوود] قوم را به اسم یهوه صباوت برکت داد» - یعنی خدای لشگرهای آسمانی. و در نتیجه سرسپردگی داوود به خدا، خدا با ایمن ساختن اورشلیم در برابر دشمنان به داوود برکت داد.

نویسنده ما برای برجسته‌سازی سرسپردگی فروتنانه داوود به خدا، همچنین صحنه کوتاهی را اضافه کرد که در آن میکال، دختر شاول، کوشید داوود را به دلیل پوشیدن یک ایفود کاهنی در حین رقص در حضور خدا، شرمند کند. اما داوود به برکت خدا بر پادشاهی خود اذعان کرد و در آیه ۲۱ پاسخ داد: «به حضور خداوند بود که مرا بر پدرت و بر تمامی خاندانش برتری داد... از این جهت به حضور خداوند بازی کردم.» بر خلاف میکال، داوود در حضور خدا فروتن بود و از صمیم قلب برای برکت امنیت شهر سلطنتی خود قدردانی می‌کرد.

**تاسیس سلسله (دوم سموئیل ۷: ۱-۲۹).** بعد از توصیف دستاوردهای اولیه داوود، به دومین قسمت اصلی دوران او در اورشلیم می‌رسیم: تاسیس سلسله داوود در اورشلیم ۷: ۱-۲۹. این رویدادها - شامل تعاملات بین داوود، ناتان نبی، و خدا - بعدتر و پس از آنکه خدا داوود را از دست دشمنانش خلاصی بخشید روی دادند.

در این داستان مشهور، داوود متوجه شد که معبدی برای خدا نخواهد ساخت. از دیدگاه امروزی ما، ممکن است این موضوع آنچنان مهم به نظر نرسد. اما برای اسرائیلیان باستان که نخستین مخاطبین کتاب سموئیل بودند، این حقیقت که داوود هرگز معبدی نساخت، باعث ایجاد سوالاتی درباره او شد. در دوران عهد عتیق، چه درون اسرائیل و چه خارج از اسرائیل، باور عمومی بر این بود که همه پادشاهان بزرگ معبدی برای خدایان خود می‌ساختند. کتیبه‌های سلطنتی از خاور نزدیک باستان، بارها معابد را به عنوان نشانه یک پادشاهی بزرگ ذکر کرده‌اند. نویسنده

کتاب سموئیل برای مقابله با این برداشت اشتباه، توضیح داد که داوود آماده و مایل بود که خانه‌ای برای خدا بسازد. اما داوود این کار را نکرد چون خدا چنین مقرر ساخت که ابتدا او داوود را با بنای یک خانه، یک سلسله ماندگار، تجلیل کند. و داوود در تسلیم فروتنانه به دستورات خدا، خود را وقف کرد که راهی برای پسرش آماده کند تا خانه یا معبدی برای خدا بسازد.

روایتی که از تاسیس سلسله داوود گزارش می‌دهد، به سه بخش تقسیم می‌شود. بخش اول در ۷: ۱-۳ از تعاملی کوتاه بین داوود و ناتان، نبی خدا، گزارش می‌دهد. داوود می‌خواست با ساخت یک معبد، به خدا احترام بگذارد. اما پیش از اینکه کار خود را آغاز کند، وفاداری خود به خدا را با جلب موافقت ناتان نشان داد. حال، داوود و ناتان هر دو می‌دانستند که پادشاهان بزرگ برای خدایان خود معابدی می‌سازند. بنابراین، ناتان به طور طبیعی در آیه ۳ پاسخ داد: «بیا و هر آنچه در دلت باشد معمول دار زیرا خداوند با توست.»

اما در بخش بعدی، در آیات ۴-۱۶، همان شب شاهد تعامل غیر منتظره‌ای بین خدا و ناتان هستیم. در تمام طول این تعامل، کلام خدا بر اساس دو معنی متفاوت از اصطلاح عبری بیت (בַּיִת) که معمولاً به «خانه» ترجمه می‌شود قرار داشت. نخست در آیات ۵-۷، خدا بر ناتان مکشوف ساخت که قرار نبود داوود برای او یک «خانه» - به معنای معبد - برای او بسازد. در مقابل، خدا در آیات ۸-۱۶ اعلام کرد که او برای داوود یک «خانه» - به معنای یک سلسله پادشاهی پایدار - بنا می‌کرد. خدا در ادامه توضیح داد که پسر داوود، نه خود داوود، معبد را خواهد ساخت. و خدا «خانه» سلطنتی را که از نسل پسر داوود بود، برای همیشه حفظ خواهد کرد.

زمانی که داوود به ناتان نبی پیشنهاد کرد که خانه‌ای برای خداوند بسازد، معبد را بسازد، ناتان پیش او برگشت و گفت: «تو برای خداوند خانه‌ای نخواهی ساخت؛ خدا برای تو خانه‌ای خواهد ساخت.» و منظور او از «خانه» یک سلسله بود؛ این در دوم سموئیل باب ۷ وجود دارد. و نبوت - اینکه خدا خانه‌ای برای او خواهد ساخت، اینکه پادشاهی او را برای همیشه برقرار خواهد داشت، اینکه فرزندان او تا ابد بر تخت داوود حکمرانی خواهند کرد - تبدیل به اساس نبوت‌های مسیحایی پس از آن شد. و بنابراین، وقتی که انبیا به ویژه بعد از فروپاشی سلسله داوودی، پادشاهی داوودی، به گذشته اشاره کردند و به این امید چشم داشتند که خدا جلال سلسله داوودی را احیا کند، امید این بود که خدا از طریق نسل داوود پادشاهی بر خواهد انگیزاند.

- دکتر مارک استرائوس

خدا در دوم سموئیل ۷: ۱۴-۱۵ به ناتان گفت:

«من [داوود] را پدر خواهم بود و او مرا پسر خواهد بود، و اگر او گناه ورزد، او را با عصای مردمان... تادیب خواهم نمود. ولیکن رحمت من از او دور نخواهد شد، به طوری که آن را از شائول دور کردم که او را از حضور تو رد ساختم» (دوم سموئیل ۷: ۱۴-۱۵).

حال، این متن از اصطلاح «عهد» - بریت (בְּרִית) در عبری - استفاده نمی‌کند. با این حال، در متونی مانند دوم سموئیل ۲۳: ۱-۷ و مزامیر ۸۹ و ۱۳۲، شامل تمام عناصری است که صراحتاً به عهد خدا با داوود مرتبط است.

خدا با تعیین نسل سلطنتی داوود به عنوان سلسله پادار اسرائیل، سخاوت الهی را به داوود نشان داد. و مانند همه عهدهای الهی دیگر در کتاب مقدس، خدا خواستار وفاداری قدرشناسانه انسان بود - یعنی اطاعت از صمیم قلب پسران داوود. به علاوه، داوود و نوادگان او در صورت اطاعت برکات خدا را دریافت می‌کردند، اما اگر علیه او دست به شورش و سرکشی می‌زدند، با عواقب لعنت‌های او مواجه می‌شدند. به ویژه، خدا از طریق انسان‌های دیگر به آنها صدمه می‌زد. تاریخ پر از مشکل خاندان داوود در طول پادشاهی منقسم و تبعید بابلی نشان داد که چطور خدا این لعنت‌ها را بر خاندان داوود نازل کرد. اما خدا وعده داد که هرچقدر هم که پسران داوود علیه او قیام کنند، او هرگز سلسله داوود را آنگونه که خاندان شائول را طرد کرده بود، به طور کامل طرد نخواهد کرد. همانطور که خدا در ۷: ۱۶ به داوود گفت:

خانه و سلطنت تو، به حضورت تا به ابد پایدار خواهد شد (دوم سموئیل ۷: ۱۶).

عهدی که خدا در دوم سموئیل باب ۷ با داوود منعقد کرد، برای دیدگاه‌های الهیاتی‌ای که نویسنده سموئیل به مخاطبین اولیه خود ارائه داد، بسیار مهم بود. خدا طالب وفاداری قدرشناسانه از خاندان داوود بود، و زمانی که داوود و نسل سلطنتی او مرتکب گناه شدند، آنها را تادیب کرد. اما هرچقدر هم که این تادیب شدید می‌بود، اما خدا هرگز خاندان داوود را با دیگری جایگزین نمی‌ساخت. و به همین دلیل، تنها امیدی که اسرائیل برای یک پادشاهی پر جلال در آینده داشت، در حکمرانی عادلانه خاندان داوود بود.

بخش سوم از تاسیس سلسله داوود در اورشلیم، از تعامل دوم بین داوود و ناتان در ۷: ۱۷-۲۹ خبر می‌دهد. ناتان مکاشفه خدا را به داوود اعلام کرد و داوود عمق وفاداری خود به خدا را با تعظیم در برابر او هنگام دعا نشان داد. دعای داوود تصدیق کرد که پادشاهی خاندان او برای خودش و اسرائیل یک برکت بود. و همچنین او اذعان کرد که این برکت، بر آینده هر ملتی روی زمین تاثیر داشت. همانطور که در آیه ۱۹ گفت: «ای خداوند، این دستورالعملی برای بشریت است».

به یاد دارید که در اول سموئیل ۲: ۱۰، حنا در سرود خود اعلام کرد که پادشاهی خدا روزی با قوت و پیروزی پادشاه اسرائیل به تمام جهان گسترش پیدا خواهد کرد. تاسیس سلسله داوود، امیدی برای تمام جهان بود. و به همین دلیل، داوود تنها یک درخواست از خدا داشت. او در دوم سموئیل ۷: ۲۹ دعا کرد: «احسان فرموده، خاندان بنده خود را برکت بده تا آنکه در حضورت تا به ابد بماند.»

**دستاوردهای بعدی (۸: ۱-۹: ۱۳).** روایت نویسنده ما بعد از گزارش اینکه خدا چطور داوود را در اورشلیم و طی دستاوردهای اولیه او برکت داد، در ۸: ۱-۹: ۱۳ با برکت خدا بر دستاوردهای بعدی داوود پایان می‌یابد. گزارش دستاوردهای بعدی داوود به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش اول در ۸: ۱-۱۴، خلاصه‌ای از پیروزی‌های بیشتر داوود ارائه می‌دهد. این آیات شامل تعدادی گزارش هستند که ما را از اورشلیم به اماکن مختلفی می‌برند. آنها به پیروزی‌های داوود بر فلسطینیان در غرب، موآبیان در شرق، اقوام فراسوی دریای جلیل در شمال، و ادمیان در جنوب می‌پردازند. نویسنده ما بار دیگر در طول این جنگ‌ها بر سرسپردگی داوود به پرستش خدا تاکید کرد. بر اساس آیه ۱۱، وقتی که داوود از دشمنانش غنایمی دریافت کرد، «آنها را نیز برای خداوند وقف نمود با نقره و طلائی که از جمیع امت‌هایی که شکست داده بود، وقف نموده بود.»

نویسنده ما برای جلب توجهی حتی بیشتر به برکات خدا به داوود، در آیات ۶ و ۱۴ متذکر شد که: «خداوند، داود را در هر جا که می‌رفت، نصرت می‌داد.» او همچنین در آیات ۲، ۶، و ۱۴ خاطر نشان ساخت که بسیاری از دشمنان داوود به خدمتگزاران او تبدیل شدند و خدا از این طریق نیز حاکمیت او را بسط داد. و بر اساس آیات ۲، ۷، ۸، و ۱۱، خدا همچنین با ثروتی عظیم نیز داوود را برکت داد.

پس از این گزارش کوتاه از پیروزی‌های داوود، نویسنده ما به قسمت دوم دستاوردهای بعدی داوود پرداخت: اداره پادشاهی او در ۸: ۱۵-۹: ۱۳. این قسمت ابتدا در ۸: ۱۵-۱۸ خلاصه‌ای از این مسئله ارائه می‌دهد که چطور داوود فرامین موسی برای اعمال اقتدار پادشاهی را انجام داد. همانطور که نویسنده ما در آیه ۱۵ بیان می‌کند، «داوود بر تمامی قوم خود داوری و انصاف را اجرا می‌داشت.»

نویسنده ما برای نمایش طریقی که داوود با عدالت و انصاف حکومت می‌کرد، در ۹: ۱-۱۳ در مورد رفتار او با مفیوشت نوشت. مفیوشت نوه شائول از یوناتان بود. بنابراین، داستان مذکور مهربانی داوود نسبت به حامیان شائول و خاندان شائول را در زمانی که داوود در حبرون حکمرانی می‌کرد را نشان می‌دهد. همچنین سوگند وفاداری داوود و یوناتان نسبت به یکدیگر در اول سموئیل ۲۰: ۴۲ را به ما یادآوری می‌کند. این داستان با عمل آغازین داوود شروع می‌شود که در ۹: ۱ می‌پرسد: «آیا از خاندان شائول کسی تا به حال باقی است تا به خاطر یوناتان او را احسان نمایم؟» و داوود «احسان» یا «وفاداری» عظیمی - خِسد (חֶסֶד) در عبری - به عنوان پادشاه اسرائیل نشان داد. مفیوشت معلولیت شدیدی داشت و در آن زمان اغلب با افراد معلول رفتار شرم‌آوری می‌شد. اما داوود با استقبال پر مهر از مفیوشت برای زندگی در کاخ پادشاهی خودش با موقعیتی محترمانه، نشان داد که چطور پادشاهی است.

ما به بررسی ساختار و محتوای برکات سال‌های اولیۀ داوود پرداختیم. اکنون باید به چند نکته دربارهٔ کاربرد مسیحی این باب‌ها پردازیم. برکات خدا در این بخش از حکمرانی داوود چطور در زندگی امروزی ما به کار برده می‌شود؟

### کاربرد مسیحی

وقتی به جزئیات رویدادهایی می‌پردازیم که در سال‌های اولیۀ برکات خدا به داوود رخ دادند، آسان است که احساس کنیم این باب‌ها هیچ ربطی به ما ندارند. در ظاهر، شرایط داوود با آنچه امروز تجربه می‌کنیم بسیار متفاوت به نظر می‌رسد. تعداد بسیار کمی از ما در حبرون زندگی می‌کنیم؛ تعداد کمی از ما در اورشلیم زندگی می‌کنیم؛ و همهٔ ما در دورهٔ متفاوتی زندگی می‌کنیم. با این حال، روح‌القدس این متون را تعلیم قوم خدا در طول اعصار الهام کرد. بنابراین، ما به عنوان پیروان مسیح چه چیزی باید از این باب‌ها بیاموزیم؟

مانند همیشه، راه‌های زیادی، بسیار بیشتر از آنچه که زمان در این درس اجازه می‌دهد، برای تامل دربارهٔ کاربرد مسیحی این بخش وجود دارد. اما مانند درس قبلی‌مان، دو مورد از تاکیدات نویسنده به ما کمک می‌کنند تا خطوط ارتباطی بین سال‌های اولیۀ برکات داوود و زندگی خودمان در مسیح را ترسیم کنیم. ما ابتدا به تاکید نویسندهٔ مان بر عهدهای خدا، و سپس به تاکید او بر پادشاهی خدا نگاه می‌کنیم. بیایید ابتدا با عهدهای خدا شروع کنیم.

### عهدهای خدا

همانطور که دیدیم، این باب‌ها به طور مکرر توجهات را به سوی پویایی عهدهای خدا در این مرحله از زندگی داوود جلب می‌کنند. خدا همچنان به داوود و اسرائیل از طریق داوود سخاوتمندی نشان می‌داد. و از آنجایی که نویسندهٔ ما تصویری ایده‌آل از داوود در این باب‌ها نشان داد، تنها این موارد را گزارش کرد که چطور داوود معیارهای وفاداری به خدا، به ویژه دربارهٔ مقررات موسی برای پرستش و حاکمیت پادشاهان را محقق ساخت. بزرگترین برکت در این بخش از کتاب‌مان، عهدی بود که خدا با داوود منعقد کرد. خدا در این عهد به داوود یک سلسلهٔ پایدار وعده داد.

این عناصر، به مخاطبین اولیه در مورد تعاملاتشان با خدا در زمان عهد خدا با داوود، فهم می‌بخشید. آنها انواع سخاوت الهی را که خدا به خاندان داوود و هر اسرائیلی در زمان خود نشان داده بود آشکار می‌ساختند. این عناصر همچنین به انواع وفاداری‌هایی اشاره می‌کردند که خدا از اسرائیل و پادشاهان اسرائیل انتظار داشت و نیز برکاتی که در صورت انجام خدمت وفادارانه به خدا، نصیب آنها می‌شد.

به عنوان پیروان مسیح، ما باید مراقب باشیم که پویایی عهد خدا در این مرحله از زندگی داوود را در پرتو تعالیم عهد جدید به کار بگیریم. در وهله اول، برکات سال‌های اولیه داوود باید قلب ما را به سوی سخاوتمندی خدا در مسیح معطوف کند. ما باید مسیح را به خاطر وفاداری بی‌نقص او به خدا گرامی بداریم و برکات ابدی‌ای را که مسیح به دلیل وفاداری خود از پدر دریافت کرد را تصدیق کنیم. اما در وهله دوم، سرسپردگی وفادارانه داوود به پرستش و حکومت عدالت و برابری او به راه‌هایی اشاره می‌کنند که حتی ما نیز باید عهد خود با خدا در مسیح را حفظ کنیم. داوود به خاطر وفاداری خود برکات بسیار زیادی دریافت کرد. و ما می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که در مسیح، بر اساس حکمت خدا روح‌القدس ما را نیز برای خدمت وفادارانه برکت خواهد داد.

حال، به همان اندازه که تمرکز بر چگونگی پویایی عهدهای خدا در این بخش از زندگی داوود ارزشمند است، کاربرد مسیحی ما از این باب‌ها باید همچنین توجه ما را به پادشاهی خدا در مسیح نیز جلب کند.

## پادشاهی خدا

وقتی که ما به عهد عتیق نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که عهد عتیق دست‌کم یک تاکید دو برابر در مورد پادشاهی خدا دارد. از یک طرف، عهد عتیق تعلیم می‌دهد که خدا همیشه پادشاه بوده است. از این منظر، او پادشاه ازلی است. او در گذشته پادشاه بوده است، در حال حاضر پادشاه است، و همیشه نیز پادشاه خواهد بود. اما از یک منظر دیگر، تاکید دیگری که در عهد عتیق داریم این است که خدا روزی بر زمین حکومت خواهد کرد. و این به خاطر آن است که وقتی خدا جهان را آفرید، هدفی در ذهن داشت. او می‌خواست که جهان نقش قصر او را داشته باشد. او می‌خواست که پادشاهی‌اش در آسمان را بر زمین بیاورد... عیسی هم همین را تعلیم می‌دهد. او این را به ما در «پدر ما» می‌گوید، در دعایی که به ما آموخت تا دعا کنیم و بگوییم: «ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد، ملکوت تو بیاید.» او نمی‌گوید که «ما را به ملکوت خود ببر» بلکه می‌گوید «ملکوت تو بیاید.» این یعنی خداوند ما عیسی در خدمت خود همان اولویت مشابه پدرش را داشت، یعنی اینکه پادشاهی آسمان او را به زمین بیاورد. این روند طولانی تاریخی، دقیقاً در خدمت خداوند ما عیسی مسیح به مرحله نهایی خود می‌رسد.

- دکتر دیوید کوریا

در این بخش از کتاب سموئیل، خدا از طریق داوود، پادشاهی خود را به چند روش مهم پیش برد:

- همه اسرائیلیان تحت حاکمیت داوود متحد شدند؛
- داوود دشمنان خدا را شکست داد و اورشلیم را به عنوان پایتخت پادشاهی خدا بر زمین مقرر کرد؛



- داوود مرزهای پادشاهی خدا را فراتر از پادشاهی شائول گسترش داد و با این کار، غیر یهودیان بیشتری را در پادشاهی خدا گنجانده؛
- داوود با عدالت و برابری حکمرانی کرد؛
- اسرائیل، ثبات یک سلسله پادشاهی امیدبخش و دائمی را به دست آورد.

نویسنده کتاب سموئیل این پیشرفت‌های پادشاهی خدا را برجسته کرد تا به مخاطبین اولیه خود امید بدهد — امید اینکه خدا در آینده از طریق حکمرانی عادلانه خاندان داوود، حتی کارهای بزرگتری انجام خواهد داد.

در همین راستا، تاکید عهد جدید بر پادشاهی خدا، به عیسی به عنوان پسر کاملاً عادل داوود اشاره می‌کند که دستاوردهای داوود را به کمال خواهد رسانید. با این حال، همانطور که در سرتاسر این مجموعه اشاره کردیم، مسیح این نقش را در سه مرحله محقق خواهد ساخت: در تاسیس پادشاهی خود طی ظهور اول؛ در تداوم پادشاهی خود در طول تاریخ کلیسا؛ و در تکمیل پادشاهی خود، زمانی که با جلال بر می‌گردد.

به همین دلیل، داستان‌های برکات سال‌های اولیه داوود باید قلب ما را به سوی امور بزرگتری معطوف کند که عیسی در تاسیس پادشاهی خود به دست آورد. همانطور که داوود قوم خدا را متحد ساخت، عیسی نیز یک بقیت وفادار از شمال و جنوب اسرائیل را تحت حاکمیت خود متحد ساخت. همانطور که داوود دشمنانش را شکست داد، عیسی نیز قاطعانه شریر را در مرگ، قیام و صعود خود شکست داد. همانطور که داوود در اورشلیم حکومت کرد، عیسی نیز بزرگترین عمل خود را در شهر داوود انجام داد و جایگاه شایسته خویش بر تخت داوود را در آسمان گرفت. به علاوه، عیسی به رسولان خود ماموریت داد تا مرزهای پادشاهی خدا را به فراسوی پادشاهی داوود گسترش بدهند. عیسی از طریق این گسترش، راه را برای بسیاری از غیر یهودیان گشود تا به او ایمان بیاورند. و عیسی به عنوان آخرین پسر بزرگ داوود، پادشاهی ابدی خود را با عدالت و برابری بی‌نقص آغاز کرد.

فرای این، باب‌های مذکور ما را فرا می‌خوانند تا در نظر بگیریم که چطور مسیح در تداوم پادشاهی خود، جایگزین دستاوردهای داوود شده است. در سرتاسر تاریخ کلیسا، عیسی مردمان بیشتر و بیشتری را به خود جذب کرده است. او همچنان بر دشمنان خود دآوری می‌کند و برکات نجات را به تمام کسانی می‌بخشد که به او ایمان دارند. به مدت بیشتر از دو هزار سال، عیسی پادشاهی خدا را بیش از پیش گسترش داده است. و او با عدالت و برابری بی‌بدیل خود بر پیروانش در سراسر جهان حکمرانی می‌کند.

در نهایت، همانطور که دستاوردهای داوود مخاطبین اولیه را به سوی آینده سوق می‌داد، آن دستاوردها اکنون نیز قلب ما را به سمت آنچه مسیح در پایان عصر ما انجام خواهد داد معطوف می‌کنند. هنگامی که مسیح بر می‌گردد، او همه قوم خود را تحت حکمرانی عادلانه‌اش متحد خواهد ساخت. او تمام دشمنان روحانی و فیزیکی خدا را به طور کامل شکست خواهد داد و به آنانی که در پادشاهی او قرار دارند، برکات ابدی خواهد بخشید. همزمان که

مرزهای پادشاهی خدا گسترش پیدا می‌کند و تمام جهان را پر می‌سازد، اورشلیم جدید به عنوان مرکز آفرینش جدید نزول خواهد کرد. و عیسی با عدالت و انصاف جهان شمول تا ابد در سراسر جهان سلطنت خواهد کرد.

بنابراین، وقتی از تعالیم عهد جدید پیروی می‌کنیم، می‌توانیم ارتباط برکات سال‌های اولیه داوود با خود را ببینیم. این سال‌ها، از شگفتی‌های بزرگتری خبر می‌دادند که مسیح در اولین ظهور خود برای پادشاهی خدا انجام می‌داد. ما را نسبت به آنچه که مسیح حتی تا زمانه ما به انجام آن ادامه داده است آگاه‌تر می‌کنند. و نیز به ما کمک می‌کنند تا چشم‌انتظار آنچه باشیم که در بازگشت پر جلال خود انجام خواهد داد.

تا به اینجا، دیدیم که چطور نویسنده کتاب سموئیل روایت خود از حکمرانی داوود پادشاه را با برکات شگفت‌انگیز سال‌های اولیه داوود از سوی خدا آغاز کرد. اکنون بیایید به سراغ سال‌های پسین لعنت‌هایی که داوود از خدا دریافت کرد در دوم سموئیل ۱۰-۲۰ برویم.

## لعنت‌های پسین

هنگامی که خدا در دوم سموئیل باب ۷ با داوود عهد بست، وعده داد که با داوود و خانواده او به گونه‌ای متفاوت از برخوردش با شائول رفتار کند. به یاد دارید که در انتها، خدا شائول و فرزندانش را به کلی از تخت پادشاهی اسرائیل طرد کرد. اما در عهد خود با داوود، او به داوود اطمینان داد که هرگز خانواده‌اش را به عنوان سلسله دائمی اسرائیل طرد نخواهد کرد. با این وجود، خدا درست همانطور که در مورد شائول هم انجام داد، سوگند خورد که در صورت نقض عهد، داوود و فرزندانش را با لعنت‌ها تادیب کند.

در این مرحله از کتاب‌مان، نویسنده کتاب سموئیل بر این نکته تمرکز کرد که چطور داوود و فرزندان او به شیوه‌های وحشتناکی تحت لعنت خدا قرار گرفتند. و این مشکلات تا روزگار مخاطبین اولیه ادامه داشت. اما نویسنده کتاب سموئیل همچنین اشاره کرد که حتی با وجود اینکه خدا داوود را لعنت کرد، اما او و خاندان سلطنتی او را حفظ کرد. از طریق سلسله داوود بود که خدا پادشاهی خود را به سوی مقصد پر شکوه جهان شمول آن پیش می‌برد.

ما از طریق شیوه معمول مان به لعنت‌های سال‌های پسین داوود نگاه خواهیم کرد. ابتدا با نگاه به ساختار و محتوای این باب‌ها، معنای اصلی آنها را بررسی خواهیم کرد. سپس به کاربرد مسیحی آنها خواهیم پرداخت. بیایید ابتدا با ساختار و محتوای لعنت‌های سال‌های پسین داوود شروع کنیم.

## ساختار و محتوا

برای اینکه نسبت به این بخش از کتاب‌مان بتوانیم جهت‌گیری کنیم، باید پیش‌نمایشی از آنچه قرار است مشاهده کنیم را از نظر بگذرانیم. یک بار دیگر، دیدگاه نویسنده ما در مورد ملکوت خدا و عهدهای او، اساس این باب‌ها را تشکیل می‌دهد. اما نویسنده ما در اینجا از راهیایی به هر دو مضمون پرداخت که پیش‌تر در کتاب سموئیل ندیده‌ایم.

از یک طرف، نویسنده کتاب سموئیل آشکارا اعتراف کرد که پادشاهی خدا در طی این سال‌های پادشاهی داوود با شکست‌های جدی مواجه شد. موفقیت‌های بزرگ و پی در پی سال‌های اولیه داوود متوقف شد و دوران سختی به وجود آمد. اما علیرغم این مشکلات، نویسنده ما با دقت توضیح داد که پادشاهی خدا از طریق خاندان داوود، به پایان نرسید. بلکه در عوض، او نشان داد که چطور خدا با رحمت از داوود و خاندان او به عنوان سلسله دائمی اسرائیل حمایت کرد.

از طرف دیگر، همچنین شرایط مختلفی از پادشاهی داوود را در این باب‌ها خواهیم دید که ناشی از پویایی عهدهای خدا هستند. مانند باب‌های پیشین، همچنان سخاوتمندی الهی و ویژگی تمام تعاملات خدا با قوم خود بود. همچنین خدا هنوز به الزام خود بر وفاداری قدرشناسانه بشری بر اساس معیارهای شریعت موسی ادامه داد. اما این باب‌ها نشان می‌دهند که داوود و خاندان او آشکارا از معیارهای شریعت موسی تخطی کردند. در نتیجه، لعنت‌های خدا نه تنها شامل داوود و خاندان او، بلکه گریبانگیر کل قوم اسرائیل نیز شد. با این حال، نویسنده کتاب سموئیل صرفاً از لعنت‌های خدا گزارش نداد. او همچنین نشان داد که چطور داوود با فروتنی از گناهان خود توبه کرد و خدا نیز مهربانانه، او را با حفظ پادشاهی خود برکت داد.

داوود پادشاه در جریان به قدرت رسیدن خود، به عنوان مرد جوانی ظاهر شد که مسح شده بود و خداوند را دوست داشت، و این محبت را با انواع روش‌هایی که مزمور می‌سرود و غیره، نشان می‌داد. و یکی از چیزهایی که خیلی برجسته بود، این بود که او مردی موافق قلب خدا بود. و همزمان که در این موضوع رشد می‌کرد، با مقاومت شائلول در برابر مسح شدن او و همه چیزهایی که در همان راستا در زندگی‌اش اتفاق افتاد، مورد آزمایش قرار گرفت و وفادار ماند. وقتی که به دوم سموئیل می‌رسیم، زمانی که او به عنوان پادشاه تثبیت شد، باز هم او به خدا ایمان دارد و وفادار است، اما گاهی بر آنچه که خدا از او می‌خواست انجام بدهد و بر معنای خلوص در حضور خدا متمرکز نمی‌شود... و بعضی امور رو به انحطاط گذاشت؛ حالا، او باز هم به خدا وفادار ماند، و به سوی خدا برگشت. بدین ترتیب یکی از چیزهایی که ما از زندگی داوود برای خودمان یاد می‌گیریم، این است که حتی یک مرد موافق قلب

خدا هم می‌تواند مرتکب بعضی از بدترین اعمال گناه‌آلود بشود. و باید این را پیش چشم داشته باشیم و مراقب باشیم که سقوط نکنیم.

– دکتر ریچارد اُوریک

ساختار و محتوای لعنت‌های سال‌های پسین داوود به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. نخست، مشکلات اولیه پادشاهی داوود را در ۱۰: ۱-۱۲: ۳۱ بررسی خواهیم کرد. دوم، در ۱۳: ۱-۲۰: ۲۶ مشکلات گسترده‌ای که گریبانگیر پادشاهی داوود شد را در نظر خواهیم گرفت. بیابید ابتدا به گزارش نویسنده‌مان از مشکلات اولیه داوود در طی این سال‌ها بپردازیم.

### مشکلات اولیه (دوم سموئیل ۱۰: ۱-۱۲: ۳۱)

معمولاً بین پیروان مسیح اینطور رایج است که مشکلات اولیه داوود را صرفاً در داستان گناه داوود با بتشیع خلاصه کنند. و نویسنده ما در ۱۱: ۱-۱۲: ۲۵ مستقیماً به داوود و بتشیع پرداخت. اما برای تشخیص اهداف نویسنده‌مان در اینجا، باید توجه داشته باشیم که او روایت خود از داوود و بتشیع را در چارچوب یک روایت گسترده‌تر در مورد پیروزی داوود بر شورش به سرکردگی عمونیان قرار داده است.

**پیروزی اولیه (دوم سموئیل ۱۰: ۱-۱۱: ۱).** اولین بخش از این روایت گسترده‌تر و فراگیر در ۱۰: ۱-۱۱: ۱ با پیروزی اولیه داوود بر شورش به سرکردگی عمونیان قرار دارد. این روایت با پاسخ مهربانانه داوود به خبر مرگ پادشاه عمونیان – که در آن زمان تابع داوود بود – شروع می‌شود. در ۱۰: ۲ داوود گفت: «به حانون بن ناحاش [فرزند پادشاه متوفی] احسان نمایم چنانکه پدرش به من احسان کرد.» در اینجا، نمونه دیگری از حکومت عادلانه و برابر داوود را می‌بینیم. اما عمونیان به جای استقبال از مهربانی داوود، به دروغ قاصدان او را متهم به جاسوسی کردند و آنها را به شکلی نامحترمانه برگرداندند.

حال، عمونیان می‌دانستند که تبعیت خود از داوود را نقض کرده‌اند؛ بنابراین با تعداد زیادی از سوری‌ها ائتلافی تشکیل دادند تا علیه اسرائیل وارد جنگ بشوند. یوآب، از سرداران داوود، این ائتلاف را به طور کامل شکست داد. سوری‌ها خود را به داوود تسلیم کردند. و عمونیان به قلعه مستحکم خود در ربه گریختند. سپس، پیروزی اولیه داوود اینطور خاتمه یافت که وقتی بهار فرا رسید، او یوآب را فرستاد تا شهر ربه عمونیان را محاصره کند و خودش در اورشلیم ماند.

**پیروزی نهایی (دوم سموئیل ۱۲: ۲۶-۳۱).** نویسنده کتاب سموئیل، این چارچوب روایی گسترده‌تر را با پرداختن به پیروزی نهایی داوود بر شورش عمونیان در ۱۲: ۲۶-۳۱ تکمیل کرد. بعد از مدتی، یوآب قلعه سلطنتی ربه را تصرف کرد و در شرف تصرف شهر بود. او از داوود خواست که به او بپیوندد تا داوود بتواند به درستی خود را

پیروز اعلام کند. داوود و یوآب، شکست وسیع عمونیان را به طور عادلانه تکمیل کردند. سپس داوود و لشگر او پیروزمندانه به اورشلیم برگشتند.

اجزای این چارچوب روایی گسترده‌تر به قدری در هماهنگی و یکپارچگی قرار می‌گیرند که ممکن است نویسنده ما آن را از یکی از منابع مکتوب موجود خود استخراج کرده باشد. اما او این روایت مثبت از پیروزی را با قرار دادن داستان داوود و بتشیع در میان آن، دگرگون ساخت. این روایت درونی در ۱۱: ۲-۱۲: ۲۵ از یک حقیقت سخت خبر می‌دهد. اگرچه خدا در طی این مدت داوود را بر عمونیان پیروز ساخت، اما او همچنین به دلیل گناه داوود، وی و خاندان او را لعنت کرد و پادشاهی داوود دچار شکست‌های متعددی شد. با این حال، همانطور که این روایت نیز نشان می‌دهد، خدا در پاسخ به توبه خالصانه داوود همچنان به حفظ سلسله او ادامه داد.

**داوود و بتشیع (دوم سموئیل ۱۱: ۲-۱۲: ۲۵).** این داستان آشنا به سه قسمت تقسیم می‌شود. قسمت اول با گناه داوود در ۱۱: ۲-۲۷ شروع می‌شود و پس از اعلان آیه ۱ قرار دارد که داوود دیگران را به جای خود به میدان جنگ فرستاد؛ درست همانطور که شائول نیز قبلاً چندین بار در کتاب ما این کار را انجام داده بود. در حالی که داوود دور از جبهه و در امنیت بود، بتشیع، همسر اوریای حتی، یک جنگجوی وفادار در ارتش خود را زیر نظر داشت. در سراسر این داستان، بتشیع به صورت منفعل و مطیع به تصویر کشیده شده است. اما داوود را می‌بینیم که بارها و بارها به عمد از اقتدار سلطنتی خود سوءاستفاده می‌کند. نخست، او به بتشیع دستور داد که نزد او بیاید و با وی همبستر شد. سپس، زمانی که بتشیع متوجه بارداری خود شد، داوود دستور داد که او را از جنگ برگردد، که بتواند گناه خود را بپوشاند. وقتی که این ترفند کاری از پیش نبرد، داوود به یوآب دستور داد که از مرگ او را در جنگ اطمینان حاصل کند.

حال، مطابق هنجارهای فرهنگی سایر ملل در آن زمان، آنچه داوود انجام داده بود در حیطة حقوق او به عنوان پادشاه قرار می‌گرفت. به علاوه، داوود با اجازه به بتشیع برای گذراندن دوره مرسوم سوگواری پس از مرگ او را، معیارهای شایسته رسوم را نیز حفظ کرد. تنها پس از آن بود که بتشیع را به عنوان همسرش به دربار پادشاهی خود آورد.

این امکان وجود داشت که مخاطبین اولیه کتاب سموئیل، آنچه که داوود انجام داده بود را به عنوان رفتاری قابل قبول برای یک پادشاه در نظر بگیرند. اما نویسنده ما روشن ساخت که دیدگاه خدا درباره رفتار داوود به هیچوجه اینطور نبود. نویسنده کتاب سموئیل برای مقابله با هر تلاشی بر کوچک جلوه دادن عمل داوود، این قسمت را با یک جمله قاطع در ۱۱: ۲۷ به پایان برد. او نوشت: «کاری که داوود کرده بود، در نظر خداوند ناپسند آمد.»

گناه داوود با بتشیع محوری است که روایت داوود حول آن می‌چرخد. قبل از آن، شما شاهد بنای یک پادشاهی هستید؛ بعد از آن، ویرانی یک خانواده را می‌بینید. و دلیل اینکه چرا این مسئله اینقدر فجیع است، اول از همه این است که داوود از نظر درک خودش از پادشاهی دچار لغزش شد. در تمام جهان باستان، پادشاه یک فرد مطلق بود. بنابراین اگر او همسر همسایه‌اش را می‌خواست، او را می‌گرفت؛ «اتفاق خاصی نیفتاده!» و داوود با خودش اینطور فکر می‌کرد که «من می‌توانم هر کاری که بخواهم، صرف نظر از اینکه پادشاه واقعی قوم چه می‌خواهد، انجام بدهم.» بنابراین، آنجاست که نکته واقعی این داستان دیده می‌شود. اما البته، مسئله فقط این نیست که داوود بتشیع را به دست می‌آورد. این است که مسئله را با برگرداندن اوریا به خانه ترکیب می‌کند تا بکوشد که این موضوع را پنهان کند. خیلی جالب است که وقتی گناه می‌کنیم، اولین واکنش غریزی ما این است که اعتراف و توبه نکنیم. اولین واکنش غریزی ما پنهان کردن آن است. و این همان کاری است که داوود داشت انجام می‌داد. و البته، بعد وقتی که مشخص شد اوریا از پادشاهش شریف‌تر است – او نمی‌خواست به خانه برود و شب را با همسرش بگذراند – بعد داوود تصمیم گرفت که او را بکشد. بنابراین ما در تمام طول داستان تا به اینجا، داوود را می‌بینیم که نقش یک پادشاه خودکامه را بازی می‌کند که می‌تواند با زن همسایه و با همسایه خودش هر کاری که می‌خواهد انجام بدهد، و خدا می‌گوید: «نه!» یکی از چیزهایی که در این روایت من را تحت تاثیر قرار می‌دهد، صداقت کامل راوی است: او این کار را انجام داد. آن کار را انجام داد. این کار را انجام داد. و بعد آن آخرین جمله: «کاری که داوود کرده بود، در نظر خداوند ناپسند آمد.» اینجاست که همه چیز معنا پیدا می‌کند. و این کاری است که او انجام داد. او جایگاه خدا را غصب کرده و تصمیم گرفته است که چه چیزی برای او درست و چه نادرست است.

– دکتر جان ازوالت

در قسمت دوم از روایت داوود و بتشیع، نویسنده به داوری نبوتی ناتان در ۱۲: ۱-۱۴ پرداخت. او در اینجا شدت جرم داوود را روشن کرد. محتوای خطابه ناتان به قدری اهمیت داشت که نویسنده کتاب سموئیل آن را با جزئیات گزارش کرد.

خطابه ناتان با یک مثل نبوتی در ۱۲: ۱-۷ شروع می‌شود. بسیاری از مفسران به درستی بیان کرده‌اند که این مثل، شکلی از یک دعوی حقوقی در جهان باستان را نشان می‌دهد. ناتان در این مثل، یک پرونده حقوقی فرضی را پیش روی داوود گذاشت: مردی ثروتمند که گله‌ها و رمه‌های زیادی داشت، اما با ذبح بره یگانه و محبوب مردی فقیر، به مهمان خود غذا داد. داوود از تصور این بی‌عدالتی خشمگین شد و اصرار داشت که چنین مردی مستحق مرگ است. او اعلام کرد که مرد ثروتمند باید چهار برابر جبران کند، چون به مرد فقیر رحم نکرد. و در آن لحظه، در نیمه اول ۱۲: ۷، ناتان مستقیماً داوود را مخاطب ساخت و گفت: «آن مرد تو هستی!»

ناتان در ادامه مثل نبوتی خود، داوود را با سخنانی که از دربار آسمانی خدا دریافت کرده بود مخاطب قرار داد. از نیمهٔ دوم آیهٔ ۷ تا آیهٔ ۹، شاهد اتهام نبوتی ناتان مبنی بر این هستیم که داوود عهد خود با خدا را نقض کرده است. ناتان به مرور این موضوع پرداخت که چطور خدا با پادشاه ساختن داوود بر تمام اسرائیل، سخاوتمند بوده است. اما داوود نتوانست با وفاداری قدرشناسانه به سخاوتمندی خدا پاسخ بدهد و در مقابل، شریعت موسی را زیر پا گذاشت. سپس در آیات ۱۰-۱۴، شاهد یک محکومیت نبوتی هستیم که طی آن، ناتان عواقب عدم وفاداری داوود را اعلام می‌کند. این لعنت‌ها گریبانگیر داوود و خاندان او می‌شدند. ناتان در آیهٔ ۱۰ اعلام کرد که خاندان سلطنتی داوود در اثر خشونت مداوم فاسد خواهند شد. و در آیهٔ ۱۱، ناتان اعلام کرد که خانوادهٔ سلطنتی داوود علیه او شورش خواهند کرد.

مطمئناً درست است که داوود با ارتکاب زنا، با حیله و زمینه‌سازی مرگ اوریا برای پوشاندن گناه خود، شریعت موسی را نقض کرد. اما این گناهان به ویژه از آن جهت بیشتر در مورد داوود فاحش بودند که سوءاستفادهٔ آشکار او از اقتدار سلطنتی را نشان می‌دادند. همانطور که در درس پیشین مان دیدیم، شائول اساساً به این دلیل تحت داوری خدا قرار گرفت که محدودیت‌های شریعت موسی دربارهٔ اقتدار سلطنتی را زیر پا گذاشت. و نبوت ناتان نشان داد که اعمال داوود نیز در نظر خدا به همان اندازه منفور بود.

اگرچه این لعنت‌ها بسیار دردناک بودند، اما نویسندهٔ کتاب سموئیل سریعاً به این نکته اشاره کرد که چرا خدا داوود و خاندان سلطنتی او را به طور کامل طرد نکرد. بر خلاف شائول که بهانه می‌آورد و زمانی که سموئیل او را با گناه خود روبرو ساخت تنها وانمود به توبه می‌کرد، داوود بلافاصله به گناه خود اعتراف کرد و خدا نیز با رحمت پاسخ داد. همانطور که در دوم سموئیل ۱۲: ۱۳-۱۴ می‌خوانیم:

داوود با ناتان گفت: «به خداوند گناه کرده‌ام.» ناتان به داوود گفت: «خداوند نیز گناه تو را عفو نموده است که نخواهی مرد. لیکن چون از این امر باعث کفر گفتن دشمنان خداوند شده‌ای، پسری نیز که برای تو زاییده شده است، البته خواهد مرد» (دوم سموئیل ۱۲: ۱۳-۱۴).

داوود خود را فروتن ساخت. و در نتیجه، ناتان نیز با کلام داوری رحمت‌آمیز پاسخ داد. او به داوود گفت: «نخواهی مرد.» اما لعنت‌های تادیبی همچنان گریبانگیر داوود می‌شدند چون او «باعث کفر گفتن دشمنان خداوند» شده بود. همانطور که ناتان در آیهٔ ۱۴ می‌گوید: «پسری نیز که برای تو زاییده شده است، البته خواهد مرد.» سومین و آخرین بخش در روایت داوود و بتشبع، تحقق فوری سخنان ناتان را در ۱۲: ۱۵-۲۵ به ما نشان می‌دهد. در این بخش می‌آموزیم که پسر داوود و بتشبع در حقیقت مرده است. اما داوود به نشان دادن توبهٔ خالصانه

خود در حضور خدا ادامه داد. داوود قبل از مرگ پسرش با جدیت به این امید که خدا پشیمان شود و اجازه ندهد پسر او بمیرد، دعا کرد. اما هنگامی که کودک از دنیا رفت، داوود با فروتنی داوری خدا را پذیرفت.

در نتیجه، نویسنده کتاب سموئیل این روایت را با شرح مختصری در آیات ۲۴ و ۲۵ به پایان برد که در آن، بتشیع پسر دومی به دنیا آورد. این رویداد، یادآوری ظریف اما شگفت‌انگیز نویسنده ما از رحمتی بود که خدا به خاطر توبه داوود به او نشان داد. پسر دوم داوود، کسی جز سلیمان نبود.

البته، مخاطبین اولیه کتاب سموئیل می‌دانستند که سلیمان، پادشاهی خدا را در اسرائیل بسیار گسترش داد. او هیکل را در اورشلیم بنا کرد، پادشاهی را به سرزمین‌های جدید گسترش داد، و ثروت و قدرت بی‌سابقه‌ای برای اسرائیل به ارمغان آورد. و سلیمان، جد همه پسران خاندان سلطنتی داوود شد که در آینده بر اسرائیل سلطنت کردند. اما این حقیقت که سلیمان پسر بتشیع بود، دست کم در ذهن برخی از مخاطبین اولیه سوالی جدی ایجاد کرد. چطور پسر بتشیع می‌توانست کسی باشد که پادشاهی خدا از طریق او در اسرائیل ادامه پیدا می‌کرد؟

نویسنده ما در آیه ۲۴ به این پرسش پاسخ داد و خاطر نشان ساخت که، «خداوند او را دوست داشت.» و بر اساس آیه ۲۵، خدا کلام خود را از طریق ناتان نبی فرستاد و او را «دیدیا نام نهاد» که به معنای «محبوب یهوه» بود. کلام نبوتی ناتان نشان داد که علیرغم تمام مشکلاتی که برای خاندان داوود پیش آمد، امید اسرائیل به برکات آینده همچنان در فرزندان داوود از نسل سلطنتی سلیمان بود.

پس از مشکلات اولیه، نویسنده کتاب سموئیل در ۱۳: ۱-۲۰: ۲۶ به مشکلات گسترده‌تری پرداخت که برای پادشاهی داوود رخ دادند.

### مشکلات گسترده‌تر (دوم سموئیل ۱۳: ۱-۲۰: ۲۶)

برای درک اهمیت این باب‌ها، باید با شخصیت‌های اصلی آنها آشنا باشیم. البته، داوود و یوآب نقشی عمده داشتند. اما این باب‌ها همچنین بر پسران داوود نیز متمرکز می‌شوند. دوم سموئیل ۳: ۲، ۳ به ما می‌گوید که سه پسر اول داوود، امنون، کیلاب، و ایشالوم بودند. امنون به عنوان پسر نخست‌زاده داوود، وارث تخت پادشاهی او بود. کتاب مقدس هیچ چیزی درباره پسر دوم داوود، کیلاب، به ما نمی‌گوید. به احتمال زیاد او در سنین کودکی درگذشت. در نتیجه، ایشالوم سومین پسر داوود، پس از امنون در ردیف دوم برای تصاحب تاج و تخت قرار گرفت. در این باب‌ها می‌آموزیم که چطور پیشگویی داوری ناتان، از طریق وارثان اول و دوم تاج و تخت داوود محقق شد.

این گزارش از مشکلات گسترده‌تر داوود به پنج بخش تقسیم می‌شود. نویسنده ما پس از زمینه‌سازی ابتدایی، هر مرحله بعدی را با یک نماد زمانی شروع کرد که نشان می‌داد چند سال زمان گذشته است.

**تجاوز امنون به تامار (دوم سموئیل ۱۳: ۱-۲۲).** اولین مرحله از مشکلات گسترده‌تر داوود در ۱۳: ۱-۲۲ به شرح داستان تکان‌دهنده تجاوز امنون به خواهر ناتانی خود تامار می‌پردازد. این قسمت با پسر نخست‌زاده داوود



شروع می‌شود که در شهوت نسبت به تamar، خواهر ابشالوم، قرار داشت. امنون داوود را فریب داد تا تamar به تنهایی نزد او در اتاق خوابش برود. سپس خود را به او تحمیل کرد و مورد تجاوز قرار داد و بعد از آن، شدیداً او را طرد کرد. تأثیرات احساسی این رویداد، بازتاب‌دهنده بحرانی است که گریبانگیر خاندان داوود شد. در ۱۳: ۲۰ می‌خوانیم که: «تamar... در پریشان حالی ماند.» و آیه ۲۲ گزارش می‌دهد که: «ابشالوم امنون را بغض می‌داشت، به علت اینکه خواهرش تamar را ذلیل ساخته بود.»

**انتقام و فرار ابشالوم (دوم سموئیل ۱۳: ۲۳-۳۷).** دومین مرحله از مشکلات گسترده‌تر داوود، دو سال بعد از تجاوز به تamar قرار دارد. این قسمت انتقام و فرار ابشالوم را در ۱۳: ۲۳-۳۷ شرح می‌دهد. ابشالوم با فریب داوود را تحت فشار قرار داد که به امنون و دیگر برادرانش اجازه بدهد که برای چرای گوسفندان، همراه او از اورشلیم خارج بشوند. سپس در آنجا خدمتگزاران ابشالوم امنون را به قتل رساندند و او نیز از ترس جان خود فرار کرد. نویسنده برای اینکه نشان بدهد وضعیت داوود در آن زمان چقدر بغرنج بود، در ۱۳: ۳۶ و ۳۷ گزارش می‌دهد که: «پادشاه نیز و جمیع خادمانش به آواز بسیار بلند گریه کردند... و داوود برای پسر خود هر روز نوحه‌گری می‌نمود.»

**بازگشت ابشالوم (دوم سموئیل ۱۳: ۳۸-۱۴: ۲۷).** سومین مرحله از مشکلات گسترده‌تر داوود، در ۱۳: ۳۸-۱۴: ۲۷ بر بازگشت ابشالوم به اورشلیم متمرکز می‌شود. پس از سه سال، اندوه داوود کمتر شد و او مشتاق دیدار ابشالوم بود. یوآب که از اشتیاق داوود آگاه بود، او را فریب داد که اجازه بازگشت ابشالوم به اورشلیم را صادر کند. یوآب یک «زن حکیم» - که «زن حیل‌گر» هم می‌تواند ترجمه بشود - را فرا خواند که به حضور داوود برود و وانمود کند که در پی امان‌خواهی برای پسرش است که برادرش را کشته بود. او پس از جلب همدردی داوود، به تملق‌گویی از او پرداخت و گفت که او در داورای‌های سلطنتی خود مرتکب خطا نمی‌شود. و با این دروغ، داوود را متقاعد ساخت که به ابشالوم اجازه بازگشت بدهد. ابشالوم به اورشلیم برگشت اما اجازه ورود به حضور پادشاه را نداشت. بدین ترتیب، ناامیدی ابشالوم بیشتر شد. جالب است که نویسنده کتاب سموئیل بر اختلاف بین پدر و پسر با ذکر این نکته در ۱۴: ۲۵ تأکید کرد که: «در تمامی اسرائیل کسی نیکو منظر و بسیار ممدوح مثل ابشالوم نبود.» مانند سائول در نسل پیشین، ظاهر نیکوی ابشالوم باعث مشکلات بیشتری در پادشاهی اسرائیل می‌شد.

**ظهور ابشالوم در اورشلیم (دوم سموئیل ۱۴: ۲۸-۱۵: ۶).** پس از این، در ۱۴: ۲۸-۱۵: ۶ به مرحله چهارم می‌رسیم که در آنجا درباره ظهور ابشالوم در اورشلیم می‌خوانیم. ابشالوم مشتاقانه مایل بود که به عنوان وارث تخت پادشاهی داوود شناخته شود. بنابراین، سرانجام یوآب را متقاعد ساخت که اجازه دیدار او با پادشاه را بگیرد. زمانی که ابشالوم وارد شد، در حضور داوود وانمود به فروتنی کرد. سپس داوود، نابخردانه پیشنهاد آشتی داد و با یک بوسه، ابشالوم را به عنوان وارث قانونی خود تصدیق کرد. بعد از آن یک ارابه، اسب‌ها، و پنجاه مرد به ابشالوم اختصاص داده شد تا پیش روی او بروند. اما او هنوز هم راضی نبود. او به طور متقلبانه در امور کسانی که برای قضاوت در

انتظار دیدار داوود بودند دخالت می کرد و با ابراز لطف ناعادلانه به آنها، پیروان وفادار زیادی پیدا کرد. همانطور که در پایان این مرحله در ۱۵: ۶ می خوانیم: «پس ایشالوم دل مردان اسرائیل را فریفت.»

**شورش و شکست ایشالوم (دوم سموئیل ۱۵: ۷-۲۰: ۲۶).** آخرین مرحله مشکلات گسترده تر داوود، روایت طولانی شورش و شکست ایشالوم در ۱۵: ۷-۲۰: ۲۶ است. چهار سال پس از ظهور ایشالوم در اورشلیم، او یک بار دیگر داوود را فریب داد و به بهانه های دروغین، اجازه ترک اورشلیم و رفتن به حبرون را کسب کرد. در آنجا، مردم ایشالوم را پادشاه اسرائیل اعلام کردند.

داوود با شنیدن خبر شورش ایشالوم، از اورشلیم فرار کرد. بسیاری در اورشلیم با اعلام وفاداری به داوود، همراه او فرار کردند. اما دیگران - از جمله اخیئوفل، مشاور مورد اعتماد داوود - به شورش پیوستند. اما داوود با حکمت، بعضی از پیروان خود - مانند حوشای - که به آنها اطمینان داشت را در مناصب کلیدی اورشلیم باقی گذاشت. داوود همچنین به صادوق و ابیاتار کاهن فرمان داد که در اورشلیم، همراه تابوب عهد خدا بمانند.

هنگامی که داوود از اورشلیم گریخت، صیبا، یکی از خدمتگزاران مفیوشت نیز به او پیوست. اما شمععی، یک بنیامینی اهل خانه شائول، داوود را هنگام خروج از اورشلیم مسخره و لعنت کرد. داوود، آنطور که مردانش اصرار داشتند به شمععی حمله نکرد. بلکه در ۱۶: ۱۱، در حضور خدا به وضعیت خود اذعان کرد و گفت: «او را بگذارید که دشنام دهد زیرا خداوند او را امر فرموده است.»

در همین اثناء، ایشالوم وارد اورشلیم شد و تاج و تخت داوود را به دست آورد. ایشالوم بعد از مشورت با اخیئوفل، کنیزان داوود را برای خود گرفت. اخیئوفل همچنین به ایشالوم توصیه کرد که فوراً به داوود حمله کند، اما حوشای، مشاور وفادار داوود، ایشالوم را فریب داد تا حمله خود را به تاخیر بیندازد. صادوق و ابیاتار قاصدانی برای هشدار به داوود فرستادند، و داوود توانست بگریزد و خود را برای جنگ آماده کند.

پس از یک درگیری شدید، لشکر داوود بر مردان ایشالوم چیره شدند. اما با وجود اینکه داوود دستور داده بود تا با ایشالوم با ملایمت برخورد کنند، یوآب فرصت را مساعد دید و او را کشت. در اینجا یک بار دیگر نویسنده تاکید کرد که چطور خدا پادشاهی داوود را لعنت کرده بود. داوود به جای اینکه پیروزی خود را جشن بگیرد، با قلبی شکسته در ۱۸: ۳۳ فریاد زد: «ای پسر ایشالوم! ای پسر، پسر، ایشالوم! کاش که به جای تو می مردم، ای ایشالوم، پسر، ای پسر من!»

شما چند نکته درباره ایشالوم متوجه می شوید. او پسری بود که در اینجا به طور آشکار جاه طلبی داشت. همچنین او پسری بود که اتفاقاً خیلی هم بی رحم بود. زمانی که امون به خواهر ناتنی اش تامار تجاوز کرد، ایشالوم است که انتقام آن را می گیرد. و این کار را به شکلی بسیار موزیانه انجام می دهد، اینطور که او را برای خوشگذرانی دعوت می کند و بعد، در اصل، انتقام آن موضوع را می گیرد. او در مورد داوود هم همین کار را در اینجا انجام می دهد، که

در دروازه شهر با راهبران و مشایخ و دیگر افراد صاحب نفوذ ملاقات می‌کند، به آنها لطف می‌کند، و از قبل تلاش می‌کند تا خودش را به عنوان یک پادشاه مطرح کند... و در پی تثبیت خود به عنوان این پادشاه جدید است. و شاید شما بگویید که در آن مقطع زمانی، تقریباً به نظر می‌رسد که ابشالوم پیروز خواهد شد... اما یک چیزی توجه من را به خودش جلب می‌کند. زمانی که اوضاع تغییر می‌کند، و نیروهای داوود در موقعیت برنده قرار می‌گیرند، و در واقع ابشالوم را پیدا می‌کنند — که... موهایش در شاخه‌ها گیر کرده و از آنجا آویزان است، و بعد توسط یکی از مردان داوود کشته می‌شود — اینجا یک نکته واقعا گویا در این روایت وجود دارد، که داوود برای او اشک می‌ریزد و فریاد می‌زند. و من فکر می‌کنم که این، چیزی درباره ماهیت رابطه آنها می‌گوید... من فکر می‌کنم، و بسیار واقع‌بینانه فکر می‌کنم، که این نشان می‌دهد که چطور در یک خانواده، پدر و پسر می‌توانند در کنار هم باشند و در عین حال به قدری از هم بیگانه باشند که در نهایت به دشمن یکدیگر تبدیل بشوند. و با این وجود، هرگز به طور غایی، دست‌کم از طرف داوود، این دشمنی وجود ندارد. بدین ترتیب، ارتقای او در قدرت به یک پایان اشتباه می‌رسد، و با وجود اینکه داوود حتی در زمان فرارش از طرف کسانی که ابشالوم وفادار بودند مورد لعنت قرار می‌گیرد، اما باز هم داوود اینطور حس می‌کند که خدا او را در این دوران سخت هم، می‌بیند. و البته می‌دانیم که در نهایت چه اتفاقی برای ابشالوم افتاد.

— دکتر اولیور تریمبو

بعد از آنکه شورش ابشالوم شکست خورد، داوود بالاخره به اورشلیم برگشت. نویسنده کتاب سموئیل، وضعیتی که نتیجه پادشاهی داوود بود را از چند طریق به تصویر کشید. با رحمت خدا، پادشاهی داوود ادامه پیدا کرد اما او دیگر هرگز برکات بزرگی که ویژگی سال‌های اولیه پادشاهی وی بودند را تجربه نکرد. مردم یهودا از او پشتیبانی کردند. داوود با بنیامینی‌ها، شمعی، و مفیوشت — که پشت جبهه در اورشلیم باقی مانده بود — صلح کرد. جلعادیان نیز از داوود پشتیبانی کردند. اما مشکلاتی مداوم بین یهودا و اسباط شمالی اسرائیل وجود داشت. و داوود مجبور شد که شورشی شدید از طرف شمع، یک فرد بنیامینی، را سرکوب کند.

در نهایت خدا داوود را با حفظ او و خاندانش برکت داد. اما نویسنده کتاب سموئیل روشن ساخت که گناه داوود پادشاهی او را تحت لعنت‌های خدا قرار داد. اسرائیل به یک پسر عادل داوود برای حکمرانی احتیاج داشت؛ کسی که از داوود عادل‌تر می‌بود.

تنها در آن صورت بود که لعنت‌های خدا جای خود را به برکات عظیم وعده داده شده درباره پادشاهی داوود می‌دادند.

اکنون که ساختار و محتوای لعنت‌های سال‌های پسین داوود را در نظر گرفتیم، در موقعیتی هستیم که بتوانیم درباره کاربرد مسیحی این باب‌ها صحبت کنیم. این بخش از حکمرانی داوود چه ارتباطی به ما دارد؟

### کاربرد مسیحی

پیروان مسیح همیشه مشتاق هستند که بدانند چطور برکات خدا بر قوم او در عهد عتیق در زندگی کاربرد دارند. اما این باب‌های کتاب سموئیل، بر برکات خدا متمرکز نیستند. در عوض آنها به ما می‌گویند که خدا چطور داوود را با لعنت‌های عهد تادیب کرد. هر چقدر هم که به طور طبیعی مایل نباشیم بدانیم لعنت‌های خدا در زندگی داوود چطور در مورد ما نیز صدق می‌کنند، اما باز هم این اینگونه است. خدا به قدری ما را دوست دارد که گناهان مان را نادیده نمی‌گیرد. او کسانی را که در مسیح دوست دارد تادیب می‌کند تا ما در ایمان و عدالت رشد کنیم. در حین اینکه به کاربرد مسیحی لعنت‌های سال‌های پسین داوود فکر می‌کنیم، یک بار دیگر به دو تاکید اصلی نگاه خواهیم کرد که این روایات را به زندگی ما در مسیح پیوند می‌دهند. ابتدا تاکید بر عهد‌های خدا را در نظر می‌گیریم و سپس بر پادشاهی خدا تمرکز می‌کنیم. بیایید با عهد‌های خدا شروع کنیم.

### عهد‌های خدا

همانطور که دیدیم، پویایی عهد‌های خدا نقش مهمی در این بخش از کتاب ما ایفا کرد. اما در این باب‌ها، نویسنده کتاب سموئیل کمتر بر سخاوتمندی خدا نسبت به داوود تمرکز کرد و بیشتر به این موضوع پرداخت که چطور داوود در تداوم وفاداری به خدا شکست خورد. نویسنده ما همچنین تاکید کرد که چطور خدا داوود را با لعنت‌ها از جمله مرگ اولین پسرش از بتشیع، و آزمایشات هولناکی که از طریق پسرانش امنون و ابشالوم بر پادشاهی او وارد شد، تادیب کرد. با این حال، علیرغم این لعنت‌های شدید، خدا همچنان به توبه و فروتنی خالصانه داوود از طریق برکت حفظ پادشاهی او پاسخ داد.

حال به عنوان پیروان مسیح، باید مراقب باشیم که با استفاده از عهد جدید، این پویایی عهد را به شیوه صحیح اعمال کنیم. در وهله اول، روایت لعنت‌های سال‌های پسین داوود، تضادی قابل توجه بین داوود و پادشاه بزرگ ما، عیسی، ایجاد می‌کند. داوود و پسران او در وفاداری به خدا شکست خوردند و باعث مشکلاتی برای خودشان و قوم خدا شدند. اما عیسی کاملاً وفادار بود، همچنان کاملاً وفادار است، و همیشه کاملاً به خدا وفادار خواهد بود. تحقق عادلانه تمام الزامات خدا توسط مسیح به ما اطمینان می‌دهد که در نهایت، هر کسی که در مسیح است برکات ابدی را از پدر دریافت خواهد کرد.

اما در وهله دوم، همه ما می‌دانیم که کلیسای مسیح، امروز از کمال بسیار دور است. هر مسیحی در جهان، درست مانند داوود، در زندگی تحت معیارهای وفاداری به خدا شکست می‌خورد. و همانطور که متونی مانند عبرانیان ۱۲: ۳-۱۷ به ما تعلیم می‌دهند، همه ما با صلاح‌دید خدا، با تادیب او در این زندگی روبرو می‌شویم. حال، برای کسانی که خود را پیروان مسیح می‌خوانند اما هرگز ایمان نجات‌بخش نداشته‌اند، مشکلات این زندگی در نهایت

منجر به لعنت ابدی از جانب خدا خواهد شد. اما برای آنانی که حقیقتاً توبه کرده‌اند و به مسیح ایمان دارند، پایداری ما در حین تادیب خدا، با برکات ابدی خدا در زمان بازگشت مسیح پادشاه خواهد یافت.

بنابراین، درست مانند اسرائیلی‌های باستان که شکست‌های داوود را محکوم می‌کردند و از توبه خالصانه او الگو می‌گرفتند، ما نیز باید همین کار را انجام بدهیم. ما باید از قصورهای داوود و پسران او اجتناب کنیم و زمانی که خودمان شکست می‌خوریم، در توبه فروتنانه به سوی خدا برگردیم. و درست همانطور که خدا میراث داوود در پادشاهی خدا را با رحمت خود حفظ کرد، میراث ایمانداران حقیقی را نیز در پادشاهی خود با رحمت حفظ خواهد کرد. ما دیدیم که چطور کاربرد مسیحی ما از این بخش کتاب سموئیل باید بر پویایی عهدهای خدا در این مرحله از زندگی داوود متمرکز شود. اما باید همچنین توجه داشته باشیم که پادشاهی خدا در این باب‌ها نیز چطور در زندگی ما به کار گرفته می‌شود.

### پادشاهی خدا

در عهد جدید، مضمون پادشاهی خدا عیسی را به عنوان پسر داوود که بر شکست‌های داوود و خاندان او غلبه کرد، ارتقا می‌دهد. اما در زمان‌های آخر، مسیح به یکباره بر شکست‌های قوم خود غلبه نمی‌کند. همانطور که پیش‌تر اشاره کردیم، او این کار را در سه مرحله انجام می‌دهد: در تاسیس پادشاهی خود طی اولین ظهورش؛ در تداوم پادشاهی خود طی تاریخ کلیسا؛ و در تکمیل پادشاهی خود، زمانی که در جلال برگردد.

در پرتو همین مسئله، روایات لعنت‌های سال‌های پسین داوود به ما کمک می‌کنند تا پیروزی‌های عیسی در تاسیس پادشاهی او را تشخیص بدهیم. در خدمت زمینی مسیح، خدمات عادلانه او با مرگ وی بر صلیب به اوج خود رسید. او با مرگ خود بهای شکست‌های داوود، خاندان او، و هر ایماندار حقیقی در طی اعصار را پرداخت کرد. به همین خاطر، مسیح پادشاه رستاخیز و صعود را برای خدمت وفادارانه‌اش از طریق قدرت روح‌القدس دریافت کرد. و هر کسی که نزد مسیح می‌آید، به وسیله قدرت روح‌القدس در تازگی حیات قیام می‌کند. در مسیح، ما در مسیر حیات ابدی قرار داریم.

حتی علاوه بر این، این باب‌ها طرقی را به ما نشان می‌دهند که مسیح طی تداوم پادشاهی خود، در عدالت بی‌نقص خدمت می‌کند. عیسی در طول تاریخ کلیسا، در دست راست خدای پدر حکمرانی می‌کند. و لحظه به لحظه، اراده پدر را از تحت پادشاهی خود در آسمان اجرا می‌کند. به مدت بیش از دو هزار سال، عیسی شکست‌های داوود و خاندان او را وارونه ساخته است. او همچنین با انتشار حاکمیت خدا در سراسر جهان از طریق اعلام انجیل نیز، پادشاهی خدا را بیشتر و بیشتر گسترش داده است.

و البته، زمانی که ما لعنت‌هایی که در سال‌های پسین داوود گریبانگیر او و خاندانش شدند را در نظر می‌گیریم، مشتاق بازگشت مسیح در زمان کمال عصر خود خواهیم بود. هنگامی که مسیح برگردد، تمام دشمنان

روحانی و فیزیکی خدا را به طور کامل شکست خواهد داد. او همه پیروان خود را کامل خواهد ساخت. و برکات ابدی را بر همه در پادشاهی جهانی خود نازل خواهد کرد. در آن روز، شکست‌های قوم خدا فقط یک خاطره محو خواهند بود. و ما، مسیح را به عنوان یگانه فردی که پیروز شد و به هر کسی که به او ایمان دارد شادی بی‌اندازه آفرینش جدید را اعطا خواهد کرد، گرامی خواهیم داشت.

بعد از بررسی حکمرانی داوود در سال‌های اولیه برکت او و سال‌های پسین لعنت‌ها، اکنون باید به سراغ سومین بخش اصلی گزارش نویسنده‌مان در دوم سموئیل ۲۱-۲۴ برویم - یعنی مزایای مستمری که اسرائیل می‌توانست از طریق خاندان داوود دریافت کند.

### مزایای مستمر

همانطور که در سرتاسر این مجموعه دیدیم، نویسنده کتاب سموئیل نوشت تا زمانی که مخاطبین اولیه او عمدتاً به دلیل نافرمانی خاندان داوود با آزمایشاتی روبرو بودند، به آنها دلگرمی ببخشد. پادشاهی آنها منقسم شده بود، دشمنان آنها را شکست داده بودند، و بسیاری از قوم خدا به تبعید رفته بودند. و اجازه بدهید با این نکته روبرو بشویم که داستان‌های مربوط به سال‌های لعنت داوود، امید چندانی برای بهبود اوضاع به اسرائیل ندادند. اما نویسنده کتاب سموئیل می‌خواست به مخاطبان خود در مورد آینده آنها اطمینان بدهد. بنابراین، به جای آنکه کتاب خود را با نکته‌ای منفی به پایان ببرد، به گردآوری تعدادی از وقایعی پرداخت که در زمان‌های مختلف در پادشاهی داوود روی داده بودند تا انواع برکاتی را نشان بدهد که یک پادشاه عادل از خاندان داوود می‌توانست برای قوم خدا به ارمغان بیاورد.

ما مزایای مستمر خاندان داوود را نیز به همان طریق مشابهی بررسی خواهیم کرد که به بخش‌های دیگر حکمرانی داوود نگاه کردیم. ابتدا ساختار و محتوای این بخش از کتاب سموئیل را در نظر می‌گیریم. و سپس، به کاربرد مسیحی آن خواهیم پرداخت. بیایید با ساختار و محتوای این باب‌های پایانی شروع کنیم.

### ساختار و محتوا

همانطور که در بخش‌های قبلی نیز انجام دادیم، ابتدا این باب‌ها را از منظر پادشاهی خدا و عهدهای خدا خلاصه می‌کنیم. از یک سو، باب‌های پایانی کتاب ما برخی از راه‌هایی را نشان می‌دهند و تکرار می‌کنند که در زمان‌های مختلف، پادشاهی خدا در اسرائیل در خلال حکمرانی داوود گسترش پیدا کرد. در این باب‌ها، داوود قوم را از لعنت‌های خدا راحتی داد؛ خدا پیروزی‌های بزرگی به داوود بخشید؛ و داوود در سخنان الهام‌شده خود بار دیگر روشن ساخت که خدا خاندان او را به عنوان وسیله‌ای تعیین کرده است که پادشاهی از طریق آن پیش برود.

از سوی دیگر، نویسنده کتاب سموئیل مزایای مستمر داوود و سلسله او را همچنین از نظر پویایی عهدهای خدا نیز توضیح داد. این باب‌ها نشان می‌دهند که چطور خدا در زمان‌های مختلف در طول پادشاهی داوود، به اسرائیل سخاوت الهی نشان داد. آنها نشان می‌دهند که چطور خدا از داوود و فرزندان او طلب وفاداری داشت. و اشاره می‌کنند که چطور نافرمانی و اطاعت به پیامدهای لعنت‌ها و برکت‌ها منجر می‌شدند. نویسنده ما با اشاره به این پویایی عهد در طول حکمرانی داوود، نظر خود را روشن ساخت: امید برکات برای هر نسلی از قوم خدا، از طریق حکمرانی عادلانه خاندان داوود حاصل خواهد شد.

تشخیص ساختار و محتوای این بخش از کتابمان دشوار نیست. این باب‌ها به شش بخش اصلی تقسیم

می‌شوند:

- داستانی در مورد رهایی اسرائیل از لعنت خدا در پی گناه شائول در دوم سموئیل ۲۱: ۱-۱۴؛
- روایات جنگاوران پیروزمند داوود در دوم سموئیل ۲۱: ۱۵-۲۲؛
- سرود دودمانی داوود در ۲۲: ۱-۵۱؛
- آخرین نصایح دودمانی داوود در ۲۳: ۱-۷؛
- فهرستی از جنگاوران پیروزمند داوود و برخی از اعمال قهرمانانه آنها در ۲۳: ۸-۳۸؛ و
- داستانی در مورد رهایی اسرائیل از لعنتی که گناه داوود مسبب آن بود در ۲۴: ۱-۲۵.

باید در مورد این ترتیب‌بندی، چند نظر کلی ارائه بدهیم. برای شروع، رویدادهای گزارش شده در این باب‌ها از ترتیب زمانی پیروی نمی‌کنند. مفسرین در جزئیات با هم متفاوت هستند، اما تعدادی از آنها به درستی تاریخ اولین روایت رهایی اسرائیل از لعنت خدا را در سال‌های پسین داوود تعیین کرده‌اند. اولین اشاره به رویدادهای مربوط به جنگاوران پیروزمند احتمالاً در سال‌های اولیه برکت داوود رخ داده است. تاریخ سرود دودمانی داوود در ۲۲: ۱ صریحاً به زمانی مربوط می‌شود که «خداوند [داوود] را از دست جمیع دشمنانش و شائول رهایی داد» - یعنی در سال‌های اولیه حکمرانی او. آخرین نصایح دودمانی داوود «آخرین سخنان» او نامیده می‌شود تا نشان بدهد که در اواخر حیات او بیان شده‌اند. دومین گزارش از جنگاوران پیروزمند داوود به رویدادهایی اشاره دارد که در برهه‌های مختلف در طول پادشاهی او رخ داده‌اند. و هنگامی که نمونه دوم رهایی اسرائیل از لعنت خدا را با روایت موازی آن در باب ۲۱ اول تواریخ مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم به وقایعی اشاره دارد که در اواخر سال‌های اولیه برکت داوود رخ داده است. واضح است که نویسنده ما به جای ترتیب‌بندی این باب‌ها به صورت زمانی، آنها را به صورت موضوعی مرتب کرده است تا یک لف و نشر شکل بگیرد. همانطور که در بسیاری از بخش‌های کتاب مقدس می‌بینیم، ساختار

این باب‌ها به طوری هدفمند طراحی شده بودند که بخش‌های بعدی به موازات یا تکرار موضوعات بخش‌های قبلی بودند.

دلیل اینکه به نظر می‌رسد باب‌های پایانی دوم سموئیل در ترتیب زمانی قرار ندارند، این است که آنها در ترتیب زمانی قرار ندارند! جواب کوتاه، این است... ما همچنین در باب‌های ۳۷ و ۳۸ پیدایش نیز مورد مشابهی داریم، جایی که پیدایش ۳۸ به ما از گناه یهودا با تamar می‌گوید؛ باب ۳۷ به ما از فروش یوسف به مصر خبر می‌دهد. به نظر می‌رسد که این رویدادها در ترتیب زمانی قرار ندارند، و البته دیدگاه منتقد می‌گوید که یک مولف به طرز ناشیانه‌ای این مطالب را گردآوری کرده است. اما این مهارت نویسنده است که نشان بدهد چرا یوسف باید به مصر برود؟ برای این بود که برادران احساس خود نسبت به خانواده را از دست می‌دادند، احساس‌شان نسبت به پرستش خدا را از دست می‌دادند، و باید در مکانی جدا قرار می‌گرفتند که به آنها اجازه نمی‌داد با سایر ملل متحد شوند... همچنین در پایان کتاب داوران نیز مورد مشابهی را می‌بینید که در آن قسمت‌هایی دربارهٔ امور جنسی، تمایلات جنسی زشت و منحرف، و همچنین بت‌پرستی شرم‌آور داریم. و می‌دانیم که این موارد هم خارج از ترتیب زمانی هستند، احتمالاً به این دلیل که نویسنده می‌خواست نشان بدهد که این قسمت‌های فساد جنسی و بت‌پرستی، ویژگی کل دورهٔ تاریخی بوده است، ابتدا به داوران مختلف و فراز و فرودهای پادشاهی در آن زمان می‌پردازد، اما پس از آن می‌خواهد نشان بدهد که این انحراف‌ها از ویژگی‌های کل دورهٔ زمانی بوده است. من می‌توانم استدلال کنم که در کتاب دوم سموئیل نیز با چنین چیزی روبرو هستیم.

- دکتر چپ مک‌دانیل

همانطور که طرح کلی ما نیز نشان می‌دهد، موضوع رهایی از لعنت خدا دو بار به چشم می‌خورد. تمرکز بر مسائل نظامی در هر دو مورد جنگاوران پیروزمند داوود ظاهر می‌شود. و سرود دودمانی داوود به آخرین سخنان او مربوط هستند، چون داوود در هر دوی این قسمت‌ها بر خاندان خود تمرکز کرده است. تکرار موضوعات در این ترتیب لف و نشری به ما کمک می‌کند تا علایق اصلی نویسندهٔ مان در این باب‌ها را درک کنیم: بخش اول و آخر نشان‌دهندهٔ رهایی از لعنت‌هایی است که خدا بر اسرائیل نازل کرده بود. بخش دوم و پنجم توجه خود را به برکت پیروزی بر دشمنان معطوف می‌کند. و بخش سوم و چهارم نشان می‌دهد که لطف عظیم خدا نسبت به داوود، به خاندان او نیز بسط یافته یافت.

این مضامین به موضوعاتی می‌پردازند که برای مخاطبان اصلی کتاب سموئیل حیاتی بودند، چون آنها با چالش‌های پادشاهی منقسم یا تبعید بابلی روبرو بودند. مخاطب اولیه نیاز به رهایی از لعنت‌های خدا داشت. آنها به پیروزی بر دشمنان‌شان احتیاج داشتند. و آنها نیاز به پادشاهی داشتند که مورد لطف خدا بود. این وقایع در دوران



پادشاهی داوود به مخاطبین اولیه اطمینان بخشید که این نوع مزایای مستمر می‌تواند از طریق حکمرانی عادلانهٔ خاندان داوود نصیب آنها بشود. ما این ترتیب لف و نشری را از درون به بیرون بررسی خواهیم کرد و با دو بخشی شروع می‌کنیم که از سخنان خود داوود گزارش می‌دهند: سرود دودمانی او در ۲۲: ۱-۵۱ و آخرین نصایح دودمانی او در ۲۳: ۱-۷.

### سرود دودمانی (دوم سموئیل ۲۲: ۱-۵۱)

از یک سو، سرود دودمانی داوود در دوم سموئیل ۲۲: ۱-۵۱، نسخه‌ای از مزمور ۱۸ است - مزموری که رهایی داوود از چنگ شائول را تجلیل می‌کند. سرود دودمانی داوود مانند مزمور ۱۸ با ستایش خدا در آیات ۱-۴ شروع می‌شود. سپس در آیات ۵-۲۰ رهایی داوود به دست خدا را شرح می‌دهد. در آیات ۲۱-۲۹، دلایل رهایی داوود را بیان می‌کند. در آیات ۳۰-۴۶ به شرحی از رهایی داوود به دست خدا بر می‌گردد. و در آیات ۴۷-۵۰، به ستایش بیشتری از خدا می‌پردازد.

حال، رهایی داوود به دست خدا هرچقدر هم که شکوهمند باشد، اما دوم سموئیل ۲۲: ۵۱ ضمیمه‌ای بسیار مهم اضافه می‌کند که به ما کمک می‌کند تا دلیل نویسندهٔ مان برای گنجاندن این سرود در متن را درک کنیم. در آنجا اینطور می‌خوانیم که:

«[خدا] نجات عظیمی برای پادشاه خود می‌نماید. و برای مسیح خویش رحمت را پدید می‌آورد. به جهت داوود و ذریت وی تا ابدالآباد» (دوم سموئیل ۲۲: ۵۱).

این ضمیمه، انعکاس ابراز اطمینان حنّاً نسبت به کاری است که خدا از طریق پادشاه اسرائیل در آینده انجام می‌داد. به یاد دارید که حنّاً در اول سموئیل ۲: ۱۰ خدا را ستایش کرد و گفت:

[خدا] به پادشاه خود قوت خواهد بخشید و شاخ مسیح خود را بلند خواهد گردانید (اول سموئیل ۲: ۱۰).

داوود نیز بسیار شبیه به ستایش حنّاً، در سرود خود اعلام کرد که خدا «نجات عظیمی» - که می‌تواند «رهایی» هم ترجمه شود - «برای پادشاه خود می‌نماید.» و خدا «برای مسیح خویش رحمت را پدید می‌آورد.» اما این جملات با نام بردن از پادشاه برکت‌یافته و مسح‌شده، از ستایش حنّاً فراتر رفت. آن پادشاه «داوود» بود، و نه فقط خود داوود، بلکه «ذریت وی» نیز بودند. و درست همانطور که عهد خدا با داوود در دوم سموئیل باب ۷ نشان داد، این امید برای سلسلهٔ داوود «تا ابدالآباد» ادامه داشت.

خدا نسل داوود را به عنوان یک سلسله دائمی بر اسرائیل و البته بعداً در تاریخ، بر یهودا تعیین کرد. و چیزی که کتاب مقدس درباره آن می‌گوید این است که حتی از همان ابتدا هم انتخاب شده بود، خدا یهودا را انتخاب کرده بود تا آن سبطی باشد که حاکمان از این سبط می‌آمدند... و چیزی که درباره داوود می‌گوید این است که داوود «مردی موافق دل خدا» بود. به همین دلیل است که داوود را انتخاب کرد. و بعد کتاب مقدس همچنین می‌گوید که دل داوود کاملاً در پی خدا بود. او کاملاً از هر جهت وقف خدا بود... اگر دقت کنید، هر پادشاهی بعد از داوود، اساساً با داوود مقایسه می‌شود و درباره آنها گفته می‌شود «آنچه را که در نظر خداوند پسند بود به عمل آورد، اما مثل پدر خود داوود، خداوند را پیروی کامل ننمود.» بنابراین، داوود یک نمونه عالی از آن چیزی است که یک پادشاه باید باشد، و دوباره، این به خاطر دل داوود نسبت به خداوند است. او کاملاً نسبت به خدا مطیع بود، و به همین دلیل است که دودمان او تا ابد انتخاب شده بودند.

– دکتر راسل فولر

### آخرین نصایح دودمانی (دوم سموئیل ۲۳: ۱-۷)

نویسنده کتاب سموئیل، این تمرکز بر لطف خدا نسبت به داوود و سلسله او را در آخرین نصایح دودمانی داوود در ۲۳: ۱-۷ دوباره تقویت بخشید. برای تاکید بر اینکه گفتار داوود دارای اقتدار الهی است، آیه ۱ دو بار با استفاده از واژه عبری نثوم (נָתַן)، از این قسمت به عنوان «وحی» داوود صحبت می‌کند. نویسندگان کتاب مقدس در موارد متعددی از همین اصطلاح برای نشان دادن منشأ الهی نبوت عهد عتیق استفاده کردند. ما همچنین تاکید بر منشأ الهی آخرین سخنان داوود را در آیه ۲ نیز مشاهده می‌کنیم که داوود می‌گوید:

روح خداوند به وسیله من متکلم شد و کلام او بر زبانم جاری گردید (دوم سموئیل ۲۳: ۲).

نویسنده ما بر الهام روح خدا تاکید کرد تا هرگونه شک و تردید در مورد قابل اعتماد بودن آخرین سخنان داوود را برطرف کند.

بدین ترتیب، خدا از طریق داوود در این سخنان چه گفت؟ در آیات ۳ و ۴، داوود اعلام کرد که پادشاهی که «عادلان» و «با خداترسی» حکومت کند، مسبب برکات عظیمی برای قوم خود خواهد شد. سپس در آیه ۵، داوود در ادامه، این اصل کلی پادشاهی عادلانه را در مورد خود و سلسله‌اش به کار برد. داوود می‌دانست که دودمان او در چشم خدا جایگاه ویژه‌ای دارد. خدا در باب ۷ دوم سموئیل، یک «عهد ابدی» با او منعقد ساخته بود. بنابراین، داوود در آخرین سخنان خود اشاره کرد که وقتی سلسله پادشاهی او عادلانه و با خداترسی حکمرانی کند، مسبب

برکات عظیمی برای اسرائیل خواهند بود. در نهایت، داوود در آیات ۶ و ۷، به کسانی که نسبت به عهد خدا با او مشکوک بودند هشدار داد که امیدشان به خاندان او را از دست ندهند. او گفت:

«جمیع مردان بلیعال مثل خارهایند که دور انداخته می‌شوند... و ایشان در مسکن خود با آتش سوخته خواهند شد»  
(دوم سموئیل ۲۳: ۶-۷).

در اینجا، نویسنده کتاب سموئیل فراخوانی که بارها و بارها نسبت به مخاطبین اولیه‌اش انجام داده بود را تکرار کرد. آنها می‌بایست امیدهای‌شان برای آینده را بر خاندان داوود قرار می‌دادند. خدا با عهدی ابدی، دودمان داوود را به عنوان سلسله دائمی اسرائیل تعیین کرده بود. هیچ امیدی به پادشاهی خدا در اسرائیل جدا از این سلسله سلطنتی وجود نداشت.

با در نظر داشتن این تمرکز بر محوریت سلسله داوود، بیایید به بخش دوم و پنجم از مزایای مستمر داوود پردازیم: روایات جنگاوران پیروزمند داوود در ۲۱: ۱۵-۲۲ و جنگاوران پیروزمند او در ۲۳: ۸-۳۸. این دو بخش در کنار یکدیگر، یکی از مزایای بزرگی که حکومت عادلانه دودمان داوود برای اسرائیل به ارمغان آورد را برجسته می‌کنند: یعنی پیروزی بر دشمنان خدا.

### جنگاوران پیروزمند (دوم سموئیل ۲۱: ۱۵-۲۲)

اولین گزارش جنگاوران پیروزمند داوود در ۲۱: ۱۵-۲۲ خیلی زود به ارائه خلاصه‌ای از این موضوع می‌پردازد که چطور خدا به اسرائیل با پیروزی در چهار جنگ مختلف علیه فلسطینیان، برکت داده است. هر یک از این تصاویر اشاره می‌کنند که جنگاوران داوود که از استقرار پادشاهی داوود حمایت می‌کردند، «غول‌ها» یا جنگویان بزرگ فلسطینی را کشتند. آیات ۱۵-۱۷ دیدگاهی مهم در مورد همه این گزارش‌ها ارائه می‌دهند. در این آیات می‌خوانیم:

«داوود وامانده شد... آنگاه کسان داوود قسم خورده، به وی گفتند: "بار دیگر همراه ما به جنگ نخواهی آمد مبادا چراغ اسرائیل را خاموش گردانی"» (دوم سموئیل ۲۱: ۱۵-۱۷).

همانطور که در اینجا می‌بینیم، حتی زمانی که خود داوود «وامانده شد»، پادشاهی خدا سقوط نکرد. بلکه در عوض، جنگاوران وفادار به داوود، به حفظ و گسترش حکمرانی داوود ادامه دادند.

درک اینکه چرا نویسنده کتاب سموئیل این گزارشات جنگی را در این قسمت از کتاب خود گنجانیده است، دشوار نیست. در روزگار نویسنده، دودمان داوود دقیقاً مانند واپسین سال‌های عمر او که ضعیف شده بود، دچار ضعف

شده بودند. اما حتی در ضعف داوود، خدا اسرائیل را با پیروزی‌های بزرگ برکت داده بود. و این موضوع می‌توانست برای هر نسلی از اسرائیل صادق باشد. اگر جنگاوران اسرائیل خود را به امور پادشاهی داوود وقف می‌کردند، آنها نیز می‌توانستند بر دشمنان بزرگ پیروز شوند.

### جنگاوران پیروزمند (دوم سموئیل ۲۳: ۸-۳۸)

دومین گزارش جنگاوران پیروزمند داوود در ۲۳: ۸-۳۸ نیز مضامین مشابهی را منعکس می‌کند. نویسنده کتاب سموئیل در این بخش، به حدود سی و شش جنگاور بزرگ داوود با نام اشاره می‌کند. او ابتدا «سه مرد شجاع» و برخی از اعمال قهرمانانه آنها را توصیف کرد. سپس درباره «سی سردار» که در کنار داوود و برای او جنگیدند می‌آموزیم. این مردان اعمال برجسته‌ای در جنگ انجام دادند. به طور مثال، در آیه ۸ یوشیب بشت «بر هشتصد نفر تاخت آورد و ایشان را در یک وقت کشت.» در آیه ۱۰، العازار «برخاسته، با فلسطینیان جنگ کرد... و خداوند در آن روز، ظفر عظیمی داد.» بر اساس آیات ۱۱-۱۲، شمه بعد از فرار اسرائیلیان از یک قطعه زمین در برابر فلسطینیان دغاغ کرد. در آیه ۱۸، ابیشای «نیزه خود را بر سیصد نفر حرکت داد.» و در آیات ۲۰-۲۱، بنایاهو دو سرباز موآبی و یک شیر را کشت، و همچنین یک مصری را شکست داد. بسیاری از این مردان بعدتر در پادشاهی داوود صاحب مقاماتی شدند.

نویسنده ما هر دو گزارش از جنگاوران پیروزمند داوود را برای اینکه به مخاطب اولیه خود امید بدهد طراحی کرد. در طول پادشاهی منقسم و تبعید بابلی، دشمنان اسرائیل اغلب شکست‌ناپذیر به نظر می‌رسیدند. اما مانند این جنگاوران بزرگ در روزگار داوود، اسرائیل نیز نباید امید خود به لطف خدا نسبت به داوود را از دست می‌داد. بلکه آنها باید به خدا اعتماد می‌کردند تا بار دیگر جنگاورانی قدرتمند به خاندان داوود ببخشند.

بعد از این، به اولین و آخرین بخش از تمرکز نویسنده‌مان بر مزایای مستمری که خدا از طریق خاندان داوود ارائه کرد می‌رسیم. بیابید به این دو روایت از رهایی اسرائیل از لعنت خدا در ۲۱: ۱-۱۴ و در ۲۴: ۱-۲۵ نگاه کنیم.

### رهایی از لعنت خدا (دوم سموئیل ۲۱: ۱-۱۴)

اولین نمونه از رهایی اسرائیل از لعنت خدا، داستانی مشهور از یک قحطی است که در زمان حکمرانی داوود در ۲۱: ۱-۱۴ روی داد. آیه ۱ با توضیح اینکه یک قحطی در سرزمین روی داده بود، زمینه را آماده می‌کند. با ادامه قحطی، داوود برای حکمت دعا کرد. خدا بر او آشکار ساخت که شاتول و خاندان او باعث این قحطی بر اسرائیل شده بودند، چون آنها جبعونیان را بر خلاف پیمان اسرائیل با ایشان به قتل رسانده بودند. حال، هیچ گزارشی در کتاب مقدس از این رویداد وجود ندارد، اما این یک نقض جدی اقتدار سلطنتی از سوی شاتول بود. در یوشع ۹: ۱۵-

۱۸ اسباط اسرائیل سوگند خورده بودند که جبعونیان را بپذیرند و از آنها محافظت کنند. اما شائول این پیمان را نقض کرد و به همین دلیل، خدا لعنت قحطی را بر قوم خود نازل کرد.

سپس آیات ۲۱: ۲-۶ توضیح می‌دهند که چطور داوود به دنبال راهی برای کفاره دادن برای جبعونیان گشت که بر اساس شریعت موسی مناسب باشد. در ابتدا، جبعونیان با فروتنی از درخواست کفاره خودداری کردند. با این حال، به اصرار داوود، جبعونیان از خاندان شائول خواستند تا کفاره این جنایت را بپردازند. آنها خواستند که هفت پسر شائول برای اعدام به آنها داده شوند و داوود نیز با این شرط موافقت کرد.

نویسنده کتاب سموئیل در آیات ۷-۹ ابتدا توضیح داد که داوود مفیوشت را به خاطر سوگند خود برای یوناتان، تحویل نداد. سپس نویسنده ما نام هفت پسر را که داوود به جبعونیان داد ذکر کرد و شرح داد که چطور جبعونیان آنها را اعدام کردند.

این داستان با خاتمه قحطی در آیات ۱۰-۱۴ تمام می‌شود. داوود با ابراز رحمت به خاندان شائول، همچنان خود را شرافتمند نشان می‌داد. او اجساد پسران شائول را همراه با استخوان‌های شائول و یوناتان در مقبره قیس، پدر شائول، دفن کرد. و در نتیجه اعمال عادلانه و شرافتمندانه داوود، نیمه دوم آیه ۱۴ می‌گوید: «بعد از آن، خدا به جهت زمین اجابت فرمود.» دعاها به نمایندگی از قوم پاسخ داده شدند و قحطی پایان یافت.

اگر نویسنده کتاب سموئیل این داستان را در بستر دیگری قرار می‌داد، می‌توانست پیامدهای زیادی برای مخاطبین او داشته باشد. اما در زمینه مزایای مستمر حکمرانی داوود، نقش او را در رهایی از لعنت الاهی ناشی از شائول و خاندان وی برجسته می‌کند. نویسنده کتاب سموئیل در این روایت تأیید کرد که رهایی از لعنت الاهی که خانواده شائول مسبب نزول آن بر اسرائیل شدند، از طریق حکمرانی عادلانه داوود حاصل شد. مفهوم این رویداد برای مخاطبین اولیه واضح بود. در زمان آنها، پادشاهی خدا همچنان می‌توانست از طریق حکمرانی عادلانه سلسله داوود از لعنت‌های خدا آزاد باشد.

### رهایی از لعنت خدا (دوم سموئیل ۲۴: ۱-۲۵)

نمونه موازی رهایی اسرائیل از لعنت خدا در باب پایانی کتاب ما در ۲۴: ۱-۲۵ به چشم می‌خورد. این بخش داستان مشهور سرشماری داوود و لعنت بعدی خدا بر اسرائیل است. این روایت شبیه داستانی است که در بخش پیشین دیدیم و در آن گزارش می‌شود که چطور داوود قوم خدا را از لعنت او رهایی بخشید. اما از یک جهت بسیار مهم، متفاوت است: این بار داوری خدا به خاطر گناه خود داوود گریبانگیر اسرائیل شد.

این روایت پایانی در آیات ۱-۹ با شرح سرشماری داوود آغاز می‌شود. حال بر اساس آیه ۱، خدا داوود را برانگیخت تا مردان جنگی خود را بشمارد. اما همانطور که روایت موازی در اول تواریخ ۲۱: ۱ توضیح می‌دهد، خدا این کار را از طریق شیطان انجام داد. نمی‌توانیم دقیقاً مطمئن باشیم که چرا انجام این سرشماری تا این حد گناه

بوده است، اما به احتمال زیاد، داوود برای ارزیابی قدرت خود دستور به این سرشماری داد. این اقدام نشان داد که داوود دیگر برای حفاظت از اسرائیل به طور کامل بر خدا تکیه نمی‌کرد. به هر حال موضوع هرچه که بود، یوآب سردار داوود مخالفت کرد اما با اصرار داوود، او نیز پذیرفت.

این روایت سپس در آیات ۱۰-۱۷ از توبهٔ داوود و داوری خدا گزارش می‌دهد. داوود پس از سرشماری به گناه خود پی برد و در حضور خدا به آن اعتراف کرد. خداوند از طریق جاد نبی، چند تادیب را برای انتخاب پیش روی داوود قرار داد. داوود با تکیه بر رحمت عظیم خدا، از او خواست که در دستان او بیفتد، و به دست مردمان نیفتد. اما هنگامی که داوری سخت وبا بر اسرائیل نازل شد، حدود ۷۰ هزار نفر مردند. و زمانی که فرشتهٔ خداوند به اورشليم نزدیک شد تا مردمان آن را از بین ببرد، داوود خود را حتی بیشتر فروتن ساخت. داوود در ۲۴: ۱۷ گفت:

«اینک من گناه کرده‌ام و من عصیان ورزیده‌ام. اما این گوسفندان چه کرده‌اند؟ تمنا اینکه دست تو بر من و بر خاندان پدرم باشد» (دوم سموئیل ۲۴: ۱۷).

داوود کاملاً به گناه خود اعتراف کرد و از خدا خواست که داوری خود را به جای قوم، متوجه او و خانوادهٔ او کند. جاد نبی در آیات ۱۸-۲۵ به توبهٔ خالصانهٔ داوود پاسخ داد و به او دستور داد که مذبحی در خرمنگاه ارونه بسازد. این همان خرمنگاهی بود که سلیمان چندین دهه بعد، معبد را در آنجا بنا کرد. داوود زمین را خرید و وفادارانه از طرف خود و قوم، قربانی‌هایی تقدیم کرد. سپس، داستان در آیهٔ ۲۴ اینگونه به پایان می‌رسد: «پس خداوند به جهت زمین اجابت فرمود و وبا از اسرائیل رفع شد.»

نویسندهٔ کتاب سموئیل هدفمندانه داستان خود را به این طریق خاتمه داد تا تشابه آن با روایت قبلی در باب ۲۱ را برجسته کند. هر دو روایت رهایی اسرائیل از لعنت خدا با اعلام این نکته به پایان می‌رسد که خدا درخواست‌های قوم خود به جهت زمین را شنید. و در هر دو مورد، خدا لعنت‌های خود را به خاطر اعمال داوود متوقف کرد.

در پرتو آنچه بیان شد، درک اینکه چرا نویسندهٔ سموئیل کتاب خود را با این روایت به پایان برد، دشوار نیست. مخاطبین اولیهٔ او در زمان داوری سختی بر سرزمین اسرائیل زندگی می‌کردند. اما نویسندهٔ ما در اینجا نشان داد که چطور مخاطبین اولیهٔ او می‌توانستند از لعنت‌های خدا — حتی لعنت‌هایی که داوود و خانوادهٔ او مسبب آنها بودند — رهایی پیدا کنند. و آنها باید با اذعان به اینکه بخشش و رهایی از داوری خدا فقط از طریق خاندان داوود حاصل می‌شود، بر لطف خدا نسبت به داوود تکیه می‌کردند.

با بررسی ساختار و محتوای مزایای مستمر پادشاهی داوود، اکنون آماده‌ایم تا به بررسی کاربرد مسیحی

این باب‌ها بپردازیم. ما باید امروز از این باب‌های پایانی کتاب سموئیل چه چیزی بیاموزیم؟

### کاربرد مسیحی

همانطور که دیدیم، نویسنده سموئیل کتاب خود را با مزایای مستمر حکمرانی داوود پایان بخشید. این برکات، اسرائیل را حتی در طی آزمایش‌هایی که به دلیل قصورهای داوود و نسل سلطنتی او با آنها روبرو بودند، به امیدواری تشویق کردند. ما نیز به عنوان مسیحی، به تشویق نیاز داریم، اما یک تفاوت اساسی وجود دارد. برخلاف مخاطبین اولیه سموئیل، ما به ماشیح بزرگ، به عیسی خدمت می‌کنیم که هرگز به هیچوجه در تحقق اراده خدا کوتاهی نکرده است. البته، حکمرانی بی‌نقص مسیح هنوز به کمال خود نرسیده است. ما هنوز به دلیل گناه با سختی‌ها روبرو هستیم. به همین دلایل، باب‌های پایانی کتاب سموئیل برای ما نیز نکات فراوانی دارند. ما از طریقی به کاربرد مسیحی این بخش از کتاب سموئیل می‌پردازیم که مشابه بحث‌های قبلی‌مان در این درس است. ابتدا، در مورد عهدهای خدا صحبت می‌کنیم و سپس به پادشاهی خدا خواهیم پرداخت. نویسنده ما در این بخش از کتاب خود، چطور بر عهدهای خدا تاکید کرده است؟

### عهدهای خدا

هر قسمت که به مزایای مستمر پادشاهی داوود اشاره می‌کند، به طرق مختلف توجهات را به پویایی تمام پیمان‌های خدا معطوف می‌کند. هر شش قسمت به راه‌هایی اشاره می‌کنند که در آنها خدا همچنان به داوود و اسرائیل سخاوتمندی نشان می‌داد. در هر یک از آنها، نویسنده ما معیارهای خدا برای وفاداری قدرشناسانه را رعایت کرده است. و هر قسمت به این موضوع می‌پردازد که چطور خدا برای نافرمانی لعنت‌ها و برای اطاعت برکت‌ها بر اسرائیل نازل کرد.

مانند همیشه، باید مراقب باشیم که در هنگام اعمال این دیدگاه‌ها درباره پویایی عهدهای خدا، از آموزه‌های عهد جدید پیروی کنیم. قلب ما باید ابتدا به سمت خود مسیح معطوف شود. هر سخاوت خدا نسبت به داوود و اسرائیل در این باب‌ها، ما را به سوی سخاوتمندی‌های عظیم‌تر خدا در مسیح رهنمون می‌شوند. هر عمل وفادارانه به ما یادآوری می‌کند که وفاداری بی‌نقص مسیح چقدر برتر است. هنگامی که این باب‌ها به لعنت‌ها و برکاتی که بر داوود و اسرائیل نازل شد اشاره می‌کنند، ما را فرا می‌خوانند تا لعنت‌ها و برکات ابدی‌ای را که مسیح نازل خواهد کرد تصدیق کنیم.

اما به همان اندازه که تمرکز بر خود مسیح اهمیت دارد، ما باید مزایای مستمر پادشاهی داوود را نیز در زندگی خود به کار ببریم. وقتی می‌خوانیم که چطور خدا به دلیل گناهان شائول و داوود سرزمین را لعنت کرد، به یاد می‌آوریم که خدا کلیسای خود را نیز موقتاً تادیب می‌کند. و مانند داوود، ما نیز باید با توبه فروتنانه و ایمان به مسیح واکنش نشان بدهیم.

هنگامی که درباره پیروزی‌های جنگاوران داوود می‌آموزیم، در نبرد علیه شرارتی که به عنوان قوم خدا با آن روبرو هستیم، اطمینان پیدا می‌کنیم. و مانند داوود که علیرغم شکست‌هایش، لطف مستمر خدا نسبت به خود و خاندانش را تایید کرد، ما نیز می‌توانیم به خدا اطمینان داشته باشیم.

سائول در بهترین زمان‌های خود، فلسطینی‌ها را شکست می‌دهد و این مسئله اسرائیل را تشویق می‌کند که به پادشاه امیدوار باشند. ولی ما البته می‌دانیم که سائول به شدت سست پیمان بود و بنابراین، خدا پادشاهی را از سائول می‌گیرد و از این طریق می‌گوید که «می‌خواهم امید و اطمینان‌تان را از سائول پادشاه به داوود پادشاه و نسل او منتقل کنید...» همچنین می‌بینیم تا زمانی که داوود به عهد خدا با موسی وفادار است، خدا تمام اسرائیل را از طریق بسیاری از کارهای برجسته داوود نجات می‌دهد. و بدین ترتیب می‌بینید که کلید، این است: امید و اطمینان خود را به مردی بسپارید که به عهد خدا با موسی وفادار است. البته ما می‌دانیم که داوود به طرز وحشتناکی گناه کرد و خودش آن عهد را زیر پا گذاشت، بنابراین خوانندگان از خود می‌پرسند، «آیا می‌توانیم به داوود یا نسل او امیدوار باشیم که ما را نجات بدهند؟»... و بنابراین، کتاب‌های سموئیل به شدت بر عهد جاودانی‌ای که خدا با مهربانی با داوود و نسل او منعقد کرد، تاکید می‌کنند: روزی یک حکمران وفادار و عادل وجود خواهد داشت که کاملاً به عهد موسی وفادار خواهد بود؛ پس امید خودتان را به آن نواده داوود ببندید که خواهد آمد. حال، ما می‌دانیم که او در شخص مسیح آمده است که بی‌گناه بود، که کاملاً از شریعت اطاعت کرد. او آن کسی است که ما امروز به او امید و اطمینان داریم.

– دکتر اندرو پارلی

ضمن توجه به پویایی عهد خدا در این بخش از زندگی داوود، همچنین باید در نظر داشته باشیم که کاربرد مسیحی چطور ما را به تمرکز بر آشکار شدن پادشاهی خدا در مسیح ملزم می‌کند.

## پادشاهی خدا

نویسنده کتاب سموئیل در این باب‌ها روشن ساخت که به دلیل لطف خدا نسبت به داوود و خاندان او، پادشاهی خدا در اسرائیل از بین نخواهد رفت. و به طریق مشابه، چون عیسی پسر کاملاً عادل داوود است که همه وعده‌های خدا به داوود را محقق می‌سازد، ما به عنوان پیروان مسیح می‌دانیم که پادشاهی خدا شکست نخواهد خورد. با این حال، همانطور که دیدیم، مسیح این امیدها را در سه مرحله محقق می‌سازد: در تاسیس پادشاهی خود طی ظهور اول؛ در تداوم پادشاهی خود در طول تاریخ کلیسا؛ و در تکمیل پادشاهی خود، زمانی که با جلال بر می‌گردد.



نخست، این آخرین باب‌های کتاب سموئیل قلب ما را به سمت هر آنچه که عیسی در تاسیس پادشاهی خود انجام داد معطوف می‌کنند. لطف خدا نسبت به خاندان داوود، در مسیح شروع به تحقق کرد. همانطور که جنگاوران داوود دشمنان خود را شکست دادند، عیسی نیز قاطعانه شریک را در مرگ، قیام، و صعود خود شکست داد. و همانطور که داوود اسرائیل را از لعنت‌های خدا نجات داد، عیسی نیز نجات پیروان خود از لعنت‌های ابدی خدا را تضمین کرد.

دوم، این باب‌ها همچنین از ما می‌خواهند در نظر بگیریم که چطور مسیح در طی مدت تداوم پادشاهی خود، جانشین تمام دستاوردهای داوود شد. لطف خدا نسبت به داوود و خاندان او با پادشاهی در حال گسترش مسیح تحقق پیدا کرد. دستاوردهای جنگاوران داوود با پیروزی روزافزون عیسی بر دشمنان خدا در سرتاسر عصر ما محقق می‌شود. و نقش داوود در رهایی سرزمین اسرائیل از لعنت‌های خدا، هر روز به شیوه‌های عظیم‌تری در حال انجام است چون عیسی هر روزه برای ما در حضور تخت پادشاهی خدا شفاعت می‌کند.

و سوم، همانطور که برکات مستمر خدا بر خاندان داوود مخاطبین اولیه را به سوی آینده پادشاهی خدا رهنمون می‌ساخت، آنها همچنین ما را نیز به آنچه مسیح در پایان عصر ما به انجام خواهد رساند هدایت می‌کنند. هنگامی که مسیح برگردد، وفاداری خدا به خاندان داوود را نشان خواهد داد. او سرانجام همه دشمنان روحانی و جسمانی خدا را شکست خواهد داد و برکات ابدی را بر همه کسانی که به او ایمان آورده‌اند نازل خواهد کرد. و همانطور که داوود سرزمین اسرائیل را از لعنت‌های خدا رهایی داد، عیسی نیز هنگامی که در جلال برگردد و همه چیز را تازه بسازد، تمام آفرینش را برای همیشه از لعنت‌های خدا نجات خواهد داد.

## نتیجه‌گیری

در این درس درباره داوود پادشاه، ما پادشاهی داوود را از سال‌های اولیه برکت او در حبرون و اورشلیم تا لعنت‌های سال‌های پسین او، زمانی که گناه او با بتشیع منجر به مشکلات اولیه و بیشتری برای پادشاهی او شد، دنبال کردیم. با این حال، علیرغم این لعنت‌ها، همچنین دیدیم که نویسنده کتاب سموئیل کتاب خود را با شرح نصایح دودمانی داوود، جنگاوران پیروزمند، و رهایی از لعنت‌های خدا به پایان رساند که نشان‌دهنده مزایای مستمری بودند که از طریق حکمرانی عادلانه خاندان داوود شامل حال اسرائیل می‌شدند.

گزارش پادشاهی داوود در کتاب سموئیل راهنمایی بسیار مهمی برای قوم اسرائیل در مواجهه با شکست‌های پادشاهی‌شان ارائه کرد. اگرچه داوود و فرزندان او شکست خوردند و مسبب تادیب خدا بر قوم اسرائیل شدند، اما افراد وفادار باید همچنان به وعده‌های خدا به داوود امیدوار می‌بودند. من و شما نیز امروز با چالش‌هایی مواجه هستیم، چون ما نیز همچنان از الزامات خدا برای خدمت وفادارانه قصور می‌ورزیم. اما داستان شگفت‌انگیز پادشاهی

داوود چیزی را به ما یادآوری می‌کند که هرگز نباید فراموش کنیم. وعده‌های خدا به خاندان داوود در پادشاه بزرگ ما، عیسی، محقق شدند. خدا آماده است که ما را در مسیح برکت بدهد و تادیب کند. اما ما می‌توانیم از این مطمئن باشیم که: خدا قوم وفادار خود را تا زمانی که مسیح برگردد و ما را وارث پادشاهی با شکوه خدا در آسمان‌ها و زمین جدید بسازد، حفظ خواهد کرد.

## واژه‌نامه

**ابیاتار:** کاهن و پسر اخیملک که از کشتار کاهنان در نوب فرار کرد و به داوود و مردان او پیوست؛ در تمام دوران حکمرانی داوود نسبت به او وفادار ماند.

**ابنیر:** سردار شائول که به راهبری شورشی علیه داوود کمک کرد و به دست یوآب کشته شد.

**ابشالوم:** پسر سوم داوود که از امنون به خاطر تجاوز به خواهرش انتقام گرفت؛ سپس کوشید تا تخت پادشاهی داوود را تصاحب کند؛ بعد از آنکه موهایش در شاخه‌های درختی گیر کرد، به دست یوآب کشته شد.

**اختیوفل:** مشاور مورد اعتماد داوود که بعداً برای سرنگونی داوود به ابشالوم کمک کرد.

**عمونیان:** نوادگان بن عمی (پسر لوط، برادرزاده ابراهیم، و دختر لوط) که اغلب با اسرائیل در جنگ بودند.

**امنون:** پسر نخست‌زاده داوود که به خواهر ناتنی‌اش تامار تجاوز کرد و به دست ابشالوم کشته شد.

**تابوت عهد:** جعبه‌ای که (بر اساس فرمان خدا به موسی) از چوب شطیم ساخته و با طلا پوشانده شد، و الواح ده فرمان درون آن نگهداری می‌شدند.

**تبعید بابلی:** اخراج و تبعید اسرائیلیان باستان به بابل از حدود ۵۸۶ ق. م. تا ۹/۵۳۸ ق. م.

**بتشبع:** همسر اوریای حتی و بعد همسر داوود پادشاه؛ مادر سلیمان (از داوود).

**بیت:** واژه عبری، که به معنای «خانه» است.

**لف و نشر:** ساختاری ادبی که در آن بخش‌های پیشین و پسین یک قطعه اصلی در موازات یا تعادل با یکدیگر قرار می‌گیرند.

**کیلاب:** پسر دوم داوود که احتمالاً در سن کودکی از دنیا رفت.

**تکمیل:** سومین و آخرین مرحله از آخرت‌شناسی آغاز شده؛ زمانی که مسیح باز خواهد گشت و هدف نهایی خدا برای تمام تاریخ را محقق خواهد کرد.

**تداوم:** مرحله دوم یا میانی از آخرت‌شناسی آغاز شده؛ دوره پادشاهی خدا بعد از ظهور اولیه مسیح و پیش از پیروزی نهایی او.

**عهد:** یک قرارداد حقوقی الزام‌آور که بین دو فرد یا گروهی از مردم، یا بین خدا و شخص یا گروهی از مردم منعقد شده باشد.

**داوود:** دومین پادشاه اسرائیل در عهد عتیق که وعده یافت نوه او بر تخت پادشاهی وی خواهد نشست و تا ابد حکمرانی خواهد کرد.

**جبعونیان:** ساکنین شهر کنعانی جبعون که اسرائیلیان را فریب دادند تا وارد معاهده‌ای با آنها بشوند.

**حبرون:** شهری در کنعان (بعدها در قلمرو یهودا)، جایی که ابراهیم، اسحاق، یعقوب و سارا در آنجا دفن شدند و همچنین جایی که داوود به عنوان پادشاه یهودا مسح شد.

**حوشای:** مشاور و معتمد وفادار داوود.

**تاسیس:** مرحله اول در آخرت‌شناسی آغاز شده؛ به اولین ظهور مسیح و خدمات رسولان و انبیای او اشاره می‌کند.

**ایشبوشت:** («مرد شرم»)، پسر شائول که به راهبری یک شورش علیه داوود کمک کرد و به دست دو مرد کشته شد؛ همچنین ایشبال نیز خوانده شده است.

**یابیش جلعاد:** شهری در شرق رود اردن، در قلمرو سبط منسی که مردم آن چنان به شائول ارادت داشتند که جان خود را به خطر انداختند تا او و پسرانش را با احترام دفن کنند.

**اورشلیم:** شهری که داوود تخت پادشاهی خود را در آنجا قرار داد و سلیمان در زمان اتحاد پادشاهی، معبد را در آنجا بنا کرد؛ پایتخت پادشاهی جنوب یهودا که در سال ۵۸۶ ق. م. به دست بابلی‌ها نابود شد؛ شهری که کلیسای اولیه از آنجا آغاز شد.

**یوآب:** سردار وفادار داوود که لشگرکشی‌های موفق‌تری علیه دشمنان داوود را فرماندهی کرد و پس از تلاش ایشالوم، پسر داوود، برای تصاحب تخت داوود، او را کشت.

**یوناتان:** بزرگترین پسر شائول پادشاه و دوست صمیمی داوود که در جنگی با فلسطینیان کشته شد؛ پدر مفیوشت.

**پادشاهی خدا:** حاکمیت مطلق و تغییر ناپذیر خدا بر همه آفرینش.

**لاویان:** افراد قبیله لاوی؛ به عنوان کاهنان به قوم اسرائیل خدمت می‌کردند.

**خدای لشگرها:** عنوانی الهی که خدا را به عنوان فرمانده لشگریان آسمان گرامی می‌دارد.

**مفیوشت:** پسر معلول یوناتان که به خاطر سوگند داوود برای یوناتان، در کاخ داوود صاحب جایگاهی محترمانه شد.

**ناتان:** نبی و مشاور مورد اعتماد داوود پادشاه.

**عویدادوم:** مردی جتی که داوود بعد از کشته شدن عزه، تابوت عهد خدا را برای سه ماه به او سپرد.  
**فلسطینیان:** قومی غیر سامی، جنگجو، احتمالاً اهل کریت، که در عهد عتیق غالباً در حال جنگ با اسرائیل بودند.

**شائول:** اولین پادشاهی که از سوی خدا برای حکمرانی بر قوم اسرائیل تعیین شد.

**سلیمان:** پسر داوود پادشاه و سومین پادشاه اسرائیل که به سبب حکمت و ثروت خود مشهور بود؛ مرزهای اسرائیل را گسترش داد و اولین معبد را در اورشلیم بنا کرد.

**اوربای حتی:** سربازی وفادار و شوهر بتشبع که به کام مرگ فرستاده شد تا گناه داوود با بتشبع پنهان شود.  
**عزه:** فردی از لاویان که تابوت عهد خدا را لمس کرد و کشته شد.  
**صقلخ:** شهری که توسط اخیش، پادشاه فلسطینی، به داوود داده شد.